

درست بینی درین وجوه استراضی و عمومی خواهد دید. دلیل موقفی اگر کسی دارنده در این، حوه استراضی بدین قلب نخواهد شد خوب است برای اطمینان ملت در حراند بومیه اشاعت دهند. چه نزع ملت در سر همین نکته است، و این نزع هم خیلی بجا و سراسر است زیرا آدم طار گزیده باید از ربهان سباه و سفید به ترسد، اتحاد های زانی ملت و دولت، و ضایعات و مسئولیت و ذرا بدو بول اعتبار ندارد، زیرا اینک دولت است هر بلائی که در سر مات آمده، هر خرابی که در مکت پیدا شده، همه نتیجه همین اتحاد قوی و نمره ضایعات و مسئولیت وزارت است، این حرفها حق در درد به خورد که سرا و جزا در کار باشد، به مثل ایران که اسباب علو مقام و درجه منحصر در حیات قرار گرفته باشد بینکم و بین لله آصف لدوله با آنچه خیانت های - الله مستوجب دهان نوب بود یا نکیه نمودن بر مسند وزارت داخله ؟

عجب تر آنکه همان کسیکه آصف لدوله را قبل از وزارت ضایعات یاد میکرد پس از وزارت بمسئولیتش قائل شد، بدختره شمشیر شدش قرار گرفتند. و هر یک نزد مایان که بصراحت و اشارت از خیانت های آصف لدوله یاد میکرد جلو گیرش می شدند، باین حال با اعتماد داشت کدام وکیل، وضایعات کدام و بر بر مات رسا دهد که آنها را رهن گذارده و حبی گرفته نام اصلاحات بدست بن جماعت که بارها امتحان دینت و درستکار داده بسپارند، هر کس مابین - حنان عترت دارد عالیه بکنند، نامت اربین دغدغه برود آید، باقی مطالب که راسع باین مسئله است شانه در آتیه شرح خواهم نمود

قوموا یا ایها الایرانیین

بر و بحر ایرن خرابست پیدار شوید
(خواب آلودگی تا چند ؟)

نگارش لك از موثقین اداره
آنچه باید در باب استعداد بری بگویم گفتم، و خیلی درهای حقیقت را تا آنجا که در قوه خود میدیدم بکمال خوبی ستم، حالا اگر همت مردان راه، و نفس از اب قوی کمی چند پیش نهد، و قوه در راه و خیال اندک مساعدت و معاوی بآلم و دست دهد، نظری

برای این طرف باید بکارم، و عقده دیرینه را از دل بدر آورم، یکوفتی پیش خود خیال میکردم که اولین درجه اصلاح هر امر همان گهتن و دو بعین عمل اردن بگفتار است، و می بالیدم که چه خوب شد حالا وطنیان ما قدر گفتار را میدانند، و شاید آنچه گفتار موجب شود که راهی بگردار هم پیدا کنند، و در عوض این سفر که اولاً خیریت اثرش می پنداشتم و ثانیاً قطعه ستر نامش گذشتم بعد از آنکه در حالات همگان نظری خوب انداخته دیدم، بگذارم بخاطر رفته و عقیده ام بر بی اساس و بی پایه بوده، ولی حالا که از حاک و سن به رفته حاصل گشته از بی برای رحمت خیل و این و عردت به دست شایین دست داده عفتضای (العود احمد) باز بهار بیدار رفتم.

بجمل متصل آنکه دوستی از دار لایاله حایج (یعنی پوشهر) در طی مکتوب به واسطه (مقاله اولین شاموش تاثیر کرده هر چند، در آمد اما دایدر آمد، یعنی محل توجه پیر و بر بالردیده در یک الحس عالی عناً قرائت و موجب شور ادهان شده، صادره ورد دیگر یکی از عیالید و رؤساء حرب ما کلفت اردن رکهای کردن دشنام بخان يك مدععی (که مطون نخر بر این مقاله است) داده اظهار حقیقت را حمل به غرض کرده بود حالا باید من هم از آن محفل وهم از این محصل امید وار باشم زیرا که معلوم میشود بعضی حرفها بهر عبور، و جزء هوا نمیشود، اما در این موقع يك تانی کمیته و مزمن دارم که میخواهم اظهارش نمایم و آن ایست که با وجود وفور جراید معتبره که در داخله ایران بر پا و دائر شده گویا اعلالی داخله این طرف جنوب را خارج از ایران میداند، که گاهی اسم آن را در نامه های خود ذکر میکنند، و با وجود آنچه اهمیت مادی و معنوی که داراست کترین نظری بخلاف آن عطف نمی نمایند، وفق هم که در تا دگری از خلیج در آن جراید یافت میشود یا راجع به عزل حاکم آنجا یا مربوط بمرکت حکمران جدید است، و ما مزده ارسال طاعت بمشارالیه، این مقتضت را هم من از کج حسابی خیر نگاران میدانم که ثابت میکنند صفحات جراید میدان غرض را از آساست و هر غرضی با هر که دارند در اسطوانات نامه های وطنی بخرج می دهند تا از آنکه مسئولیت حقیقی و عتب

واقعی بر آنها وارد آمده و جداناً ملوم و مطعون خواهند بود. مختصر آنکه خدا انصافی به موطنان و هوش و ذکاوتی به مدیران و دست آطر توفیق بحبل المتین بدهد، که جبران تقصیرات دیگران را مینماید.

باری عطف بر سیم البته هموطنان ما از اسم مملکت حیدر آباد دکن و بسط و فصاحت آن که از ربیع ایران کمتر است اطلاع دارند، و شاید بعضی وقتها هم در حبل المتین چیزی از بابت آن مملکت خوانده باشند، حالا آن مملکت که در واقع با یکی از ایالات ایران هم نمیتواند موازنه کند، از فیض قانون و زاگون دارای ثروت و شوکت و بهلاوه صاحب استعداد نظامی صحیحی شده، که شاید در تمام مملکت ما نظیرش یافت نشود، اما از این طرف يك مملکت بسیار بزرگی که از سالیان دراز مهد تمدن و دانش و مرکز شوکت و سطوت دنیا و برآورنده اولادهای برازنده بوده از فرط یخچالی بکعبه کارش بجائی رسیده که از هیچ جهت و حیثیت نتوان آنرا با دیگر بلاد در يك ترازو نهاد، یگوفتی یعنی در همان دوره های آقا محمد خان که اهالی ایران دود تنوره کشتیهای بحار ندیده بودند و قتیکه کشتی هایونی برس پلیس را در حرکت از این بندر بیند و دیگر می دیدند انگشت حیرت بدنشان گرفته و از فرط یخودی و یخچاری خیالات واهی از اندازه شوکت و بسط عظمت اولیاء امور پیدا کرده، مثلاً یکی از عقاید شان این بود که بوزن همان کشتی اشرفی مسکوک در خزینه عاشره موجود است، و در هر جا که برق نوب آن جهاز بلند میشد اهالی بی عقل و خیال آن ساحات احتمال ورود صواعق داده، مانند مرغ بسمل می طپیدند، و همه می گفتند، که در آن موقع وجود يك جهاز برای اسم و نمایش کافی است، و برای دست آویز مداخل مامورین وافی، اما حالا هم مردمان خارجه کلاً، و هم باشندگان ایران جزئاً، بیدار شده، آثار و علائم سطوت دیگران را دیده اند، و میدانند که کر گرفتن و زیست کردن با وجود این ضعف بنیه و تحویل قواء و فقدان مشاعر محال اندر محال است، و حق واقع هم همین است که فهمیده اند و امروزه عقل و شعور با یکسای نهانی ندا در اطراف این مملکت میدهد که یا خوب زیستن یا زنده بگور ماندن، يك

اشتباه خیلی بزرگی که از خیلی وقت پیش از این گردنگیر ما بوده این است ~~صک~~ که احتمال دوام وجود ضعیف را در مقابل قوی قابل بوده نمیدانستیم آب و آتش با یکدیگر سازش ندارند و آشتی نمیتوانند

یگوفتی تعجب میکردم که اگر بعد از ورودم بخارجه کسی فائده و نفع قوای بحریه حالبه را از من سئوال کند چه بگویم، چه نگویم، و هر قدر خواستم قبل از مفارقت از وطن جواب آن سئوال مقدر را درست بگویم هیچ بجائی نرسیدم، وقتی دیگر هم میدیدم يك از جراید وطنی اظهار شکر از تنظیم قوای بحریه دولتی نموده و حال آنکه اداره بری و بحری هر دو از حیث بی نظمی هر تنگ و همسنگ اند، یعنی اینهم مثل آن است، یخچالی اهالی داخله خیلی است و فی الحقیقه آنهاست که در اقصی بلاد دور دست ایران جا دارند همچو خیال میکنند که جنوب مملکت از استحکامات رفیه و قلاع منیعه محصون و مصون است، و مانند سایر دول اداره بحریه مابعدی منظم است که کسی را جرأت و جسارت نخلی و تجاوز نیست، باره اوقات هم در ضمن آن استمدادات موهومی که در محفل و مجالس خود می شایند اداره بحری را هم شامل نموده بآنهاست که ندیده اند میگویند، دولت عایه يك خرابی مثل يك کومی در دریا دارد

کنون این بنده تصمیم عزم نموده که هر اطلاعی در ضمن این مسافرت حاصل و فراهم کرده بانهایت راست حساب بر کاغذ آورده و در طبق اخلاص نهاده تقدیم حضور هموطنان بنامیم و عقده دیرینه ایشان را بگشایم - او این ~~صک~~ کشتی جنگی این دولت در خلیج هاما (برس پلیس) است که متجاوز از ۲۰ سال قبل باران جلب گردیده هر چند از بست ترین اقسام چهارات حربی بود، اما برای این ساحات تا چند درجه مفید افتاد - از آن بست سال تا بحال که آن کشتی بر سر خدمت حاضر بوده بواسطه نبودن اداره تفنیش و عدم مواظبت اولیاء امور خیلی از نفاست آن کاسته شده فی المثل قوه صرعت حرکتش که سابقاً ۱۷ میل بوده کنون به ۶ یا ۷ میل تنزل کرده، اصل تنه و جسدش محبوب و ناقص گشته است - در این چند ساله آن کشتی جنگی آلت مزید مداخل مامورین

رسانیده ، چون زمان وزارت بگانه سرداران جناب ناصرالملک بود فوری حکم عزل کتبان بوطی رسید ، اما آن ناقلای عجیب الافعال مستدعی مهلت یکماه گردیده که تکمیل حیوانات نماید ، و اگر چه آن خواهش باوصف نظارت مامور ایرانی قبول شد ، اما چون مامور مذکور زیر دست او بود نتوانست نظارت را با انجام برساند ، و اطرا الامر جناب بوطی صاحب مقصود خود نایل گردیده در همان جهازهم بمحرمه تشریف برد و پس از آن عمده این خدمت پیکنفر ایرانی محول گردید باز اینجا سودا به سرم زده قلم و دست می مینزد که فضایح اعمال و قبایح افعال همخاکان خود را که در دوائر دولتی عموماً و در این صفحات خصوصاً موظف اند شرح دهیم ، اما بازمی بپیم قبایح آنها فضایح خود مان است و چون بالفعل از ما سخن فیه خارجست چشم پوشیده میکنارم و میکنارم (این زمان بگذار تا وقت دیگر)

ماری بالفعل جهاز مظفری آلت حمل و نقل مأمورین کمرک شده ، هر وقت کسی از مأمورین مذکور بخواند بجائی رهسپار شود فوری آتش آن اروخته میشود ولو اینکه مسافر فلان مادموازل باشد ، سابق بر این هر وقت مأمورین را مبل گردش بخاطر می آمد فوری بانام رفقاء خود شان در آن سوار شده تفرج و سیر و شکار تشریف میبردند ، ولی بحمدالله اکنون که قدری سر و گوش ایرانیها می جاید آنها هم کمی ملاحظه دارند و جرأت اقدام چنین اعمال ندارند

چهار کشتی کوچک دیگر که یکسال قبل آورده اند وجود شان چندان مفید و سودمند واقع نیفتاده است ، یعنی هیچ تسلیم نمیتوان کرد که این دسته جهازات برای حفظ و امنیت کافی و برای مدافعه مهاجمه سودمند و وافی بوده باشند ، فقط چنانکه گفتم صرفه وجودشان همان بر کردن جب رندان با نام و نشانی است ، و يك مزبى دیگر هم دارند که شبهای اعیاد مولود اهل حضرت شاهنشاه (ادام الله ملكه) چراغانی کرده اظهار حیاتی مینمایند ، و آه وقت عمر رین خلوش طبعه ما را موضوعی خوب بدست افتاده آن جهازات را کوه نور فرض میکنند و مینویسند

همین اواخر هم دیگر بخار جهاز گیلان ازین ربلی

معلم مسیحی سوخته نزدیک باسقاط گردید ، ولی فرماده از آن کثرت عقل و ذکاوتیکه دارد قصیده که در مدح ظفر موهومی خودش گفته اند در مطبعه مظفری چاپ کرده با عاظم و ارکان تقسیم کرده ، مدارج فهم و درایت خود را بر همکنان ظاهر ساخت

ضرب المثل ، گویم بد ، وگر نگویم بدتر ، در مورد این موضوع صادق افتاده است اگر بنویسی می خوانند و اگر ننویسی بدانند ، چه بگویم چه نگویم کاش گشوده بود چشم من و گوش من کاف جان و تن است چشم و دل هوشیار

از منابع صحیحه دریافت کردیم که کلیه مخارج این کشتیها روزانه به پاصد تومان میرسد ، و اگر بخواسیم تحقیق چگونگی آن مصارف را نموده کیفیت هر يك فهمیدیم بایستی يك دو ماه در اینجا اطراق کرده شب و روز در قهوه خانه (کاک) ولیده باشم ، و قتیکه مرد بگانه ایران یعنی ناصرالملک بر مسند وزارت اعظم منگی بود امر تلگرفی جبهه فروش کشتی مظفری و آن جهاز دیگر صادر فرمود ، ولی هم زطانه مهلت بوی نداد و هم کسی که طالب آنها باشد پیدا نکشت و لذا کار معوق ماند ،

وقتی بر سر این معایب با رفیقی مصاحب مباحثه در کشتی مینمودیم و وسیع مدعی بود که تمام آنها از لغزات و قتیبشی است ، من بدو گفتم که چون کلیه امور ما از روی بی عسلی اداره میشود اگر اداره قتیبشی هم برقرار کنیم و خرج و مصرف هنگفت بر خود وارد آوریم باز نتیجه جز خسارت بر نخواهیم داشت و حقیقت واقع هم بر همین نهج است ، اگر مواجب یکدوسال بعضی احزاء زیادی این جهازات مانند ناظر ها در وجه تعمیر و ایجاد قراولخانه شهری صرف میگردند دیگر هیچ وجود آن موجب اقتضای و رسوائی نمیشد ، ولی باز هم چه بگویم ، آیا مجبورم میکنید بگویم که جهازات مان در خرابی از سرمازخا کتر نیستند ، انسان از کدام درد بنالد و بچه طرف روی نهد : اختلال این ملک همه دست بهم داده تشکیل يك هیولای موهبی میکنند که مشاهده اش باقی درجه موجب حسرت و دهشت میشود

از این بیشتر گفتن تشاید

تصحیح بیفرض

الحال که در ایران جمیع افراد ناس لذت مشروطیت را دریافته و در می یابند باید نکته مهمی را در نظر داشته باشند که اتفاق و اتحاد است، زمان بود که اهل ایران بوطن خود فخر و مباهات میکردند و فی الواقع قابل فخر و مباهات نیز هست، پس درین زمان نیز انبای وطن را لازم است که با اتفاق و یکجبهی همان حالت را باز بملکت خود عود دهند تا بملکت خویش نایل گردند، حب حقیقی وطن در دل هر کس جا گزین شد تنها نمیتواند زیست، زیرا که این ماده ایست متعددی هر کس باین احساس پی برد مفارقت با این محبت را دایه عظمی خیال خواهد کرد، اثر ارتعاش این قوه از مرکز شخصی با افراد دیگر سرایت میکند که با او ملاقی یا مقابل شوند، بلکه میتواند گفت که اگر این چنین شخصی را کسی ملاقات هم نکند و کلامش را هم نشنیده باشد همین بیانات او را در روزنامهجات خوانده باشد اثر آن بیانات نقش نایی بر قلب او ثبت خواهد کرد، زیرا که از صمیم قلب و خالصاً مخصوصاً باظهار آن پرداخته است و بی اثر نمیتواند بود، همچنان کسی همیشه در انظار خودی و بیگانه معزز خواهد بود و قدر و قیمت همچو شخصی موقوف بر بعض خصوصیات است، مثل صرف کردن زندگانی خود در خدمت بوطن و جای دادن حب وطن در دلهای هموطنان و در خدمت وطن بیفرضانه ایستادی کردن، و این خصوصیات موقوف دولتمندی با قابلیت ذاتی شخص نیست که آن لازم وجود خود آن شخص خواهد بود، همچنان که افراد را پسندیدی قابلیتهای صحیحه شان بدرجات طالبه مرتقی میسازد در ملت نیز همین حکم را دارد مدارج علیا آن ملت را ارتقا میدهد و برپای طینت و تزکیه خیالاتشان می افزاید در اینکه این زمانه در تاریخ ایران زمانه نازکیست امریست که برعکس محقق نیست، ولی شخص کامل باید که همه پهلوهای اینرا بسنجد و با نظر دقت بین بولتیک شناس با عمل در میان این تاریکی که اطراف ما را فرا گرفته است نور صبح امید را که تازه دارد میبدمد در افق بید دریاقت نماید، آیا این خوش است که ما در خواب باشیم یا در خیال، اینکه هنوز

شب بافتت بیدار شدن را بی سود بنداریم ؟ خیر - بلکه وقت بیداری و کار رسیده است ولی نه کاریکه بی نظم و ترتیب و مثل حرکات کشمچی باشد که قوا بیپوده صرف شود و اثری بر آن مترتب نباشد، بلکه باید دوش بدوش هم داده با اتفاق و یکدلی کار را انجام دهیم، آینده ما موقوف بر عزم و اسخ ما میباشد فریق وطن پرستان را هرگز قبل ازین چنین ضرورتی داعی نشده بود که تمام همشانرا درین کشاکش مصروف دارد، ما حالا خود را بر آستانه آن کشمکشها می بینیم - پس باید کسانی را که بدقایق کار بر نخورده اند با الفاظ مناسب بفهمانیم و بدلائیل معقوله آنها را مجاب کرده درین دایره داخل کنیم و همه را تحت علم مشروطیت و آزادی و مساوات حقوق در آوریم :

هر اکه ابریهایی که بر افق اخلاقی عالم سایه انداخته و نور در حجاب خود گرفته است چون از وجود نور و ظهورش واقفیم همچو لکه ابری نباید مارا مابوس سازد - اگر بدبختیهای خود را بطریق صحیح اندازه کنیم آن بدبختیها نباید مارا مابوس و نا امید کند، بلکه باید سبب تزکیه فطرت و تقویت ارادهای ما شده طارا قوی سازد، چیزیکه فی الحقیقت لازم است ایست که هر کس حالت قلب خود را زیر امتحان کشد و رنگ خود عرضی و بی اعتنائی و بی پروائی را بر نوبه که باشد از آینه دل خود بزاید تا نقش مراد را معاینه بیند - سنگ بزرگی که در راه ما در خود ما میباشد و باید کوشش سخت نمود که این سنگ را از میان برداریم مطالعه تاریخ عالم این درس با می آموزد - بقول شخصی -

(عبرت از تاریخ باید بر گرفتن وره چیست)
 (گر بدای قصه گودرز با رهسام را)

هرگاه ما با خود قدم برستی زیم و خود را گول ندیم این بدبختیهای ظاهری و خارجی و این واقعات خوفناک در آخر ضرری با نخواهد رسانید - همچنانکه دریای زندگانی افراد همیشه ساکن و آرام نیست دریای حیات مات را نیز هرگز بی موج و تلاطم و تزلزل خیال نباید کرد - زمان طوفان و شداید و تاریکی و تردید و ناامیدی با آرامی و سکون دریا و درخشندگی آفتاب و امیدواری و خوشوقتی دوش بدوش و باهم مخلوط است - زمانه انقلابات مذکوره امتحانی است که ثابت قدمانرا

از مترددان و نافرندگان امتیاز میدهد و نتیجه آخرین روی هم رفته در حق انسان مفید میباشد. در همچو زمامی اضطراب انگیز لازم است که قدم بیندازیم و ارادهای خود را مصمم و مستقیم سازیم و عزم جزم کنیم که یا گوهر مراد بکنف آریم یا در آرزویش خرق شویم. هیچ متاعی را بدست نتوان آورد تا قیمت کاملش را ادا نکنیم. شخص باید خیلی ضعیف العقل و ضعیف الحیل باشد که از فداکاری در راه وطن دریغ کند و متعنی حصول مقاصد عیبا نماند. اگر بعضی از برادران وطن از اثرات مذمومه و آراه غیر مستقیمه متأثر شده بخلاف مصالح و فواید وطن و بحاس شورای ملی قدم میزنند فرض خنقی حاست که ناسر و نحمول تمام برافهام و تقیم آنان مکرشیم. تا چندی قبل نزول مشکلات از خارج بوده است ولی حالا باید از اختلاف که اندرونی و مخالفت باهمی بر حذر بود. مایق را در زمانه از زمانه حیات بولتیکش این گونه گرفتارها و امثال لاحق حال شده است. و امید خلاصی و نجات از این امتحانات امید بجایست ولی ما باید جمیع مخازن محفیه اخلاقی و جمیع قوایمی دهینه خود را درین مساملات صرف کنیم و بالیقین بدانیم که در آخر در مقاصد خویش کامیاب خواهیم شد. و عروس مقصود را در آغوش خواهیم گرفت. بومیدی و یاس در اینچنین موارد بیوفائی با وطن خود است که زمامی دراز با وجودیکه اطعمه خور اقسام بد بخنجا بوده است از هم منافع قوایمی غیر معلومه خود را محفوظ داشته و هنگام ضرورت برود داده است این نصیحت را باید در گوش سازید و برین عمل کنید. بویید بشوید و امیدوار باشید. بانحاد و اتفاق خود را مصروف خدمت وطن دارید که زحمت شما بی اثر و کوششهای شما بی ثمر نخواهد ماند و ما عینا الالبلاغ -

حیرت اندر حیرت آمد زین قصص -

● غفلت ایرانیان تا چه درجه و بدبختی ●
 (ایشان تا کدام اندازه است)
 ● مثالی است از نکتتهای فراوان ●
 ● نگارش منبر سیار ●
 باز هم ماصلاح خلیل المذنب قبل ما را شور هندوستان

بسر آمده. آنچه در اولین مقاله خود در خصوص فلاکت و نکبت سربازان ساحلوی این رقم زد خامه مردم یکی از هزار و اندکی از بسیار است، زیرا که هر قدر مدت مسافرت امتداد و طولش بیشتر میشود حقایق و دقائق جدیده پیش از پیش تحصیل گردیده اضافه درد های درونی و مزید جراحات قلبی میشود خدام گواه است که در هنگام تحریر مقاله حیرت دست میدهد که همان خامه را بجانب کدام از مناصب و مفاسد ماکبه و مایه معطوف و خیال خود را در اظهار چه اصلاحی از مصالح مقتضیه مکشوف دارم اما چون در مقاله سابق لذار وعده داده بودم که باز مسئله سرباز را تعاقب نموده طریق اشتغال آنها را بمرض برسانم اینک بجا نخواهد بود اگر وقتاً از سایر بدبختیهای جانسوز چشم پوشیده دنباله همان مطالب را بگیریم

بر حسب قاعده که گویا از بیراهی عهد میرزا آقایی است همچو مقرر بوده که باید در خطه سندر که دارای آن همه وسعت و فسحت و حاوی آن درجه درجه عظام و اهمیت است دو فوج عسکر ساحلو باشد و از آنجمله یکفوج در بندر بوشهر مقرر و طاقی در سایر بنادر بموجب سفر و کبر آنها توزیع گردد، و بموجب این رسم هر ساله یکمده سرباز سردسیری از داخله مملکت حرکت نموده مایق لافش و سرارت بی انداره که در این راههای صعب المبور مشهور میباشد باین ساحات گرمسیری میایند، و حوقی از آنها در بوشهر اطراق نموده بقیه اطراف بنادر مانند لنگه و بندر عباس و جاشک و بنادر جزه دیگر مأمور میشوند. حالا گذشته از اینکه آن مده معینه یعنی دو فوج فرستاده میشود اینانی هم که میفرستند کاش نمیفرستند، زیرا که احوال و گذرانشان موجب مقاله اولیه و بدبختی علاوه که دوجار احوال آن بدبختان میشود اینست که چون بالطبع معتاد ماب و هوای این اطراف نمی باشند نصف آن مده که می آیند از اسارگاری هوا بدرود زندگانی میگردند که هنگام عودت بوطن نوری از آنها نیست مگر همان اسمشان در بطومار لشکر نویس. موظف داشتن اشخاص دیگر بجای آنان یا عدم آن بست بجهل و رغبت آن اشخاصی است که

اداره این فوج محول بدو میباشد، و از برکت رسم نیول آنم حالا عموماً طباع اینگونه مردم بهدم آن کار طایل میباشد. گذشته بر این جبران خسارت از کمی نرسد میرود که بقیه بداند اعمالش مورد تقبش و مراقبت گردیده در صورت بروز تقصیر معرض مجازات و سیاست خواهد شد، اما وقتی که انسان بقیه بر عدم تقبش و مطمئن از حاصل نمودن مجازات باشد مگر دیوانه شده که با خالی خود را برکنند، و عده فوج خود را کامل نگاه دارد؟ در این صورت ما بهیچوجه نباید حیرت و تعجب کنیم که اگر نصف یک فوجی مثلا نیست و نا بود می گشت فرماده آن هیچ اعتسائی بآن مسئله نموده بلکه آنرا مانع از زیاد مداخل ملعونه خود می بیندانت و بکلی خاطر را مکدر و مشغول نمیدانت

حالا از آن دو فوج دهمم گویا جز یک فوج باقی نمانده است، و فوج دیگر بمرور دهور محو و نابود گشته از آن فوج باقی مانده هم شاید نصف بجا مانده است، و حالات آنها نیز هماغطور است که گفته بودم. حالا از وجود آنها چه ساخته میشود؟ انصاف دهید که آیا مأموریت ایشان حتماً نقطه مهم سرحدی مانند نادر خلیج نه از جمله مضحکه های غیر ممکن تصور است؟ آیا اینها جواب رحز خوانی ادنی دشمن حقیری تواند داد؟ و آیا ابواب بدنامی برای دولت و ملت نخواهند گشاد؟ هنوز وقتی که سخنی از مراتب استعداد دول سابقه میرود فلان سردار دوره آغا محمد خان از داشتن چند اسب کمر اظهار تفاخر نموده و مدعی میشود که هر لشکر جراردیکه بخواند پای خود را از دایره ادب خارج و در حدود ما داخل کند بیک قله سنگ فلاخن دندانهای او را در کف دستش گذارده با چشم گریبان بنزد ما درس خوانم فرستاد - دیگر خبر نداریم که امروز دیگران کار رزم بر پایه ما فوق التصوری گذارده و کار زمین ساحلنه باسپان بر داخنه اند. یعنی باوصف آن آلات و ادوات حربی که ماهلوز شکل آنرا ندیده ایم آمده اند آلت مخصوصی جهت طیران در هوا اختراع نموده اند که میتوان بوسیله آن شهر های معمور را قاعاً منصفاً داشت -

یکوقت دیگر که از مخاطرات وارده بر هیکل مقدس

اسلام و اضمحلال استقلال وطن صحبت میشود فلان آخوند از همه جا بجز بر محض بروز تقدس خود - نیول میجوید بدین کلمات که (ایران صاحب دارد) (باطن شریعت مانع از هلاک ایران است) دیگر آن شریعتیاب گویا نمیداند که صاحب ایران جز استعداد صحیح با برجا چیزی نتوان بود، و صاحب شریعت مقدس هیچگاه توصیه به بیاری و بیگاری نکرده است و بلکه اگر زبان سعادت افزایش مصادف با این عصر بود هر آینه در حفظ و حراست طوبش بهترین استعداد تصور را تهیه میفرمود، علاوه بر این کدام يك از مقررات شریعت ضمانت و تمهید دارد که ما در این همه فوق و فجور و ظلم و بیداد غلو کنیم و مساعدت و معاونت از صاحب شریعت حاصل نمایم؟ علی یک چیزی می توانم بگویم و آن اینست که صاحب شریعت در هنگام ظهور خود اولین کارش همان رفع و دفع وجودهای منحوسه ما خواهد بود

باری موضوع از کف نرود آن هم فوج سربازها را که عوض نمودم محدودی از آنها در بنادر دیگر برانگنده شده مابقی در بوشهر بان حال شامت مال می ماند و بواسطه از زیاد بدبختی و فلاکت کراراً مجبور گردیده اند که در ادارات دول خارجی بست نشسته حقوق خود را مطالبه و اقتضای فوق اقتضاحات در انظار دیگران برای ایران و ایرانیان فراهم آورند جای شکر اینست که بالفعل در بوشهر و سایر بنادر انجمنهای متمده انعقاد و اجا و ملادی حتماً آن فرقه تشکیل و بنیاد یافته که دیگر در دوائر خارجی پناهنده نشده سنگ تازه برای مات و دوات دست ندهند چنانکه بالفعل کلیه سرباز ساحلوی بوشهر در انجمن ولایتی ساکن و اخذ حقوق خود را خواستگار اند و بورود فدوی در لنگه جوته عساکر ماور آنجا هم از حیثیت فلاکت و سنگدستی بجان آمده احتیاق حق خود را متوسل و مانعی بانجمن متعلق بجناب آقایید شبر گردیدند، فرق و تفاوتی که فیهابین این دو موضع یعنی ادارات خارجه و دوائر داخلیه است فقط همین است که چون اولیاء امور ما از چندین سال قبل مرعوب و مرعوب از بیگانگان شده اند بمجرد وقوع همچو سانحه فوراً جمیع آنها را تاقی بقبول میکشند و

در این بین هر چند سرشکستگی برای قاطبه ملت فراهم گردیده اما يك مشت فقیر ذلیل بنوائی رسیده اند، لیکن در دوازده داخله حال بر این منوال نیست و اولیای امور چون معتمد بانجراح مطالب ملت نگاشته اند، گویا متعمداً امثال آن را تنگ خود دانند، مثل این فقره در نظر خودمان موجود است یعنی دو ماه و نیم متجاوز است که سربازان ساحلوی بوشهر در انجمن ولایتی آنجا منحصر گردیده و وکلای مات بعد از مشقات بسیار و زحمات فوق التصور توانستند حقوق ایشان را احقاق دارند، خوب التفات کنید و به بیند که بدبختی پلاز از این میشود که يك دولت و ملت با وصف فشار احتیاجات طایفه و منویه، با وصف فقرالدم ترقی و عامی با وجود فلاکت و هلاکت حقیقی و با نهایت بریشانی و اختلال امور خود بجدی مناقضت و مخالفت داشته باشند که هیئت مجریه همیشه اهم مقاصد و اعظم مطالب خود را سرکوبی دائره مغلنه داند ولو با همدار نفوس و سفک دماغ بسیار و از کف رفتن صف بزرگی از مملکت باشد !!!

مؤید الاسلاما، بحقیقت اسلامیت سوکنند که اگر ما نهایت پوست کلفتی را بر خود بسندیده و پشت یا همه معلومات روح افزا بزنم و بکنی وجود احتیاجات و مهالك صعبه را برای وطن خود قائل بشویم همین نقاضت و تنافسی که میان این دو هیئت موجود و صورت پذیر است برای پس افتادن ما از جاده ترقیات صحیحه، کافی و هلاکت آخری ما را دلیل و برهانی واقعی میباشد اگر خوب دقت کنید که کشتی یولتیک ایران در این روزها در چه بحری سیر دارد و غفلت و غفلت ما تا چه درجه ما را بسوی انقراض بین میکشاند بی شبهه ندای رسای جبل المین را بیشتر از پیشتر بضجه و عویل بلند نموده فریاد (قوموا ایها النافون) را با آن صوت اعلای خود آن بمسامع کلیه سکان ایران طوایف رسانیده یا ناوجب قافله ترقی ایران جقدر کند و چه کتلهای جافرسا در جلو دارد و قافله سالار آن تا چه اندازه بخواب نوشین رفته حیات بر قیمت خود را در اطراف این قافله مصروف میدارد چه پینز و سبکسر آن کسی که کجان دارند يك مشت ایلیات بی نظام و بی مشق و کار ناپسند جلوه

اردوی نظامی جامعه دان دیگران میگیرد، از صد سال قبل تا دو سه دهه پیش از این هر وقت حرف تسخیر ایران بیدان میامد يك نکره واجب التمسخری دست به روت خود کرده از شجاعت و بهادری طوائف صحرانگرد ایران هزار گونه مزمارفات بی با قالب میزد و سواری دوشیزگان ایلیاتی را دلیل حرف خود می ساخت، اما حالا دیگر روشی برای آن خرافات نمانده یعنی جنگ روس و ژاپون ثابت نمود که عسکر بی نظام هر چند شجاع و دلیر و شیرگیر باشد در مقابل قشون نظامی ایستادگی نتواند نمود، معلوم نیست ایل نشینهای ایران از عساکر بیابان نورد روس دایر تر باشند، باز از اظهار مقصود دور تر ماندم.

نتیجه حرفهاییکه در این دو مقاله از بابت صربان گفتیم این است، که بویکه دولت ما رسا میدهد کاملاً باید ایشان نگاشته بحیب بزرگان آنها داخل میشود، و چون از بی بولی گرفتار عسرت و دو چار مشقت میشوند بالطبع هر چند اخلاقتش رذل نباشد خود را منمك بر ذایل داشته و علاوه بر آن از بی کاری بی باعمال قبیحه شنیعه در میدهند، پس باید حالا فکری صورت کرد که وجوهات واجبه بوساگر صحیحاً بایشان برسد، و در آداء این وجهیکه میگیرند بایست کار از آنها گرفته شود، حالا در ایالات و ولایات مملکت اساس انجمنهای یالتی و ولایتی برپاگشته باید طریق ایصال آنوجوه بتوسط یا بنظارت آنان باشد و از طرف دولت اوامر اکیده صادر گردد، که وظایف پولیس و عسکری هر شهری برعهده سربازان محول گردد و بر حسب قانونی که در بلاد دیگر معمول و متداول است امنیت بلدان و اسواق با رعایت یاسای صحیحه بدیشان مرجوع نهد تا هم امنیت عمومی که اعظم نعمه میباشد شامل احوال مردم گردد، و هم این قدر کتبه افراد قشون ایران در تیره مدبختی و نکبت نمانده و قرین اسوه احوال نباشند، و بعلاوه در مرکز يك اداره تختیشیه دائر گردد که تمام ورین آن باطراف مملکت تفرق گردیده از حالت این اداره قشون کسب استحضار نمایند و اطلاعات خود را کاملاً بمرکز اعلام دارند، تا بدینوسیله شاید هم امنیت عمومی در تمام مملکت استقامت حاصل نموده و هم این مشت بندگانی بدبخت خدا ناآیش

گذران نموده و بعلاوه شئون دولت و ملت تا این اندازه ضایع نگردد.

تا انضباط در امور عسکریه دولت داده نشود و این کار بزرگ در تحت قانون صحیح نیاید محال است که بتوان امنیت عمومی را در بلدان ایران نگه داشت. حداقل ضرورتی که حکام زاور بسر کسی ادارات حزمه خود در بسیار میشوند از بی قابلیت و بی و خودی سرماران مجبور به گرفتن تفکجه جریک میشوند، و حال آنکه سرماز دولت مواجب میخورند و بر کار مباد. فلاکت و آبه بیاید که سرماران ما دارای یک تفنگ صحیح هم نیستند، که شواهد در حیت سایه گیری آنها را به تفکجه می نظام مطلقه کند، حالا چشم می پوشیم از اینکه به سرمازان و نه صاحب منصبان ایشان هیچکدام بوی از علوم حرب شاهامشان نرسیده آخر چرا باید تا این درجه موجب سگ بین و عار و ضح جهه دولت و ملت باشند، که گذشته از اینکه بکلی قابل میدان حرب نیستند لیاقت سپاهی لشکر هم نداشته باشند؟ در یکی از جراید وطنی خود همین قرب دیدم که از وجود دو جهاز حربی (برس بایس و مظفری) اظهار تخاصر و مباحات شده و این دو کهنه ما شود بی فایده را (اداره بحریه منظم) خوانده.

آه از نهادم برآمد و فهمیدم اداره اشتباه در این بیاحتکات تا چه قدر است، بی اطلاعی ما از حالات دیگران است که ما را باین خیالات بی اساس واداشته و بقبول اراجیف بیانی ترغیب میکند، یعنی اگر ما را اطلاعی از کم و کیف استعداد دیگران می بود هرگز خود را باظهار این حرفهای بد پاراضی نموده بلکه بموض این کلیات مفاسد و تقابیس خود را کما هو حقه می گفتیم و راه علاج نشان می دادیم، تعارف تا چند؟ مدافعه تا یکی؟ ای ملت خواب رفته از خواب گران خود بیدار شوید، نظر باطراف خود کلید به پلید که آفتاب علم و فضل چگونه افطار ارض را روشن ساخته و علم عدالت و تمدن بجه سان افراشته. حال خود را با دیگران متقایسه کرده خوب بفهمید مراتب بدبختی شما تا چه درجه و حیثیت بزرگی دیگران تا کدام پله است؟؟ (مخبر سبار)

سواد مکتوب مجلس مقدس طهران
آقای دریابگی مشروحه شما در خصوص تشکیل انجمن ولایتی بوشهر و عدم همراهی اهالی بندر عباس، مجلس شورای ملی رسیده چند روز قبل در بندر عباس تلگرافی در این باب بخاربه نمودند و جوابی قریب باین مضمون بآنها بخاربه شد، که اهالی بندر عباس و توابع آن اجاعاً یک نفر وکیل موجب نظامنامه انتخابات منتخب نموده مستقلاً روانه بخاربه نمایند، و دو فرراهم تعیین نموده باینجمن ولایتی بوشهر روانه دارند، و در خود بندر عباس موجب نظامنامه بلدی انجمن انجمن بلدی تشکیل دهند، و البته موجب دستور العمل که داده شده رفتار خواهند نمود، شما هم ختایجه تا کنون اقدامات لازمه در تشکیل انجمن و آسایش اهالی نموده باز هم در خصوص یک نفر وکیل بوشهر که باید موجب نظامنامه انتخابات در حضور حکومت و نظار هستند انتخابات نموده مجلس روانه نمایند، البته اقدامات مجده خود را دریغ نخواهند فرمود که بزودی وکیل بوشهر و وکیل بندر عباس در مرکز حاضر شوند

عریضه اهالی بندر عباس بمجلس مقدس

(تاریخ ۷ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۶)

حضور وکلاء محترم مجلس مقدس شورا، شیده که اساساً عرض می نمایم. در ۲۴ دیقمه، تلگرافاً از راه سیم بوشهر موجب قبض نمرة ۶۴ اهمیت بندر عباسی را معروض داشته و اجازه انجمن ولایتی در بندر عباس استدعا کرده جواب نیامد، مجدداً از راه شیراز تلگرافاً استدعا جواب شده، دو هفته بعد باز از راه بوشهر تلگرافاً تجدید استدعا نموده و سراجاً در تلگراف اخیر معروض اقتساد، هرگاه مشول ما مشت مات، معتنا به نیفتد در بهار مندوب خود را برای توضیح اهمیت عباسی و وجوب انجمن ولایتی در اینجا مدارالخلافاً خواهیم فرستاد، در ۲۴ محرم جناب دریابگی در موقع عبور از بوشهر بجاه بهار دستخط مطلع مجلس که باقتضای شایسته صادر شده بود از لنگرگاه عباسی برای انجمن جاوید عباسی فرستادند بتوسط پیش کار نایب الحکومه عباسی و فرموده بودند زود بدهید انجمن سواد کند و مسترد دارد نگذارید، در

انجمن جامد، وانجمن ملاحظاتی که ملتفت خواہد شد، در دفتر انجمن نگاه داشته مسترد نکردند و بعد از پاس روانه جاہ ہار شدند، حال آن دستخط را عیناً درج می نماید ۱۶ ذی حجة سنہ ۱۳۲۵ نمبر ۳۲۳۲ آقای دریایی مشروحه شا در خصوص تشکیل انجمن ولایتی بوشهر و ع-م همراهی اهالی بندر عباس بہ مجلس شورایی ملی رسیدہ چند روز قبل از بندر عباس تلگرافی در این باب مخابره نمودند و جوابی فریب باین مضمون بآنها مخابره شد کہ اهالی بندر عباس و توابع آن اجراء یک نفر وکیل موجب نظامنامه انتخابات منتخب نموده مستقلاً روانہ مجلس نمایند و دو نفر را ہم تعیین نموده بانجمن ولایتی بوشهر روانہ دارند و در خود بندر عباس موجب نظامنامه بلدی انجمن بلدی تشکیل دهند والہ موجب دستور العمل کہ داده شدہ رفتار خواهند نمود، شامہ جنابجہ تاکنون اقدامات لازمه در تشکیل انجمن و آ-یش اهالی نموده باز ہم در خصوص یک نفر وکیل بوشهر کہ باید موجب نظامنامه انتخابات در حضور حکومت و نظارتہ انتخاب نموده بہ مجلس روانہ نماید اینہ اقدامات مجدداً خود را در بیع نخواہید نمود کہ بزودی وکیل بوشهر و وکیل بندر عباس در مرکز حاضر شوند زیادہ مطالی نیست (مهر مجلس)

در ۲۵ محرم سنہ ۱۳۲۶ جواب تلگراف کہ از آن ساحت منبع صادر و دو دستخط جناب دریایی اشارہ فرمودہ اند از بوشهر رسیدہ و زیارت نموده حال استدعا بنمایم در این عریض ذیل دقت فرمایید، اینکہ عرض کردہ اند عدم همراهی اهالی بندر عباس بہ مجلس شورایی ملی را خداوند و وجدان انصاف و حقیقت مایب گواہند کہ ان هذا لبہتان عظیم، خداوند خود مقتری را جزا دهد، اینکہ مرقوم شدہ جواب باین مضمون بآنها مخابره شدہ گویا نظر بامانیت شوارع از بوشهر بہ شیراز جواب مذکور در عرض راہ توقیف شدہ کہ در ۲۵ محرم زیارت آن قایم شدہ ایم، در ہر حال اینکہ مرقوم فرمودہ اند کہ اهالی بندر عباس و توابع آن اجراء یک نفر وکیل موجب نظامنامه انتخابات منتخب نموده مستقلاً روانہ مجلس نمایند و دو نفر را ہم تعیین نموده بانجمن ولایتی بوشهر روانہ

دارند، ما ملت از این تصویب نہایت افتخار و اواہر مطاع مجلس را و احیا کنندہ ملت را امثال و اطاعت داریم، لیکن چون عمدہ مقصود از اینکہ ما ملت وکلا انتخاب کنیم در بندر عباس محاسنات دہنہ سرحدات جنوب وطن گرامی ملحوظ است، و این مقصد سیاسی بدون وجود انجمن ایاتی در بندر جنوب و ولایتی در بندر عباس بعمل نخواہد آمد درہ وقتیکہ تشکیل انجمن ولایتی بندر عباس تصویب شود فوراً وکلاہ ثلاثہ موجب نظامنامه انتخابات منتخب شدہ روانہ می شوند کہ وجود شان ہم مفید قایدہ شود.

اینکہ مرقوم فرمودہ اند و در خود بندر عباس موجب نظامنامه بلدی انجمن بلدی تشکیل دهند این مطلب بر ما ملت مشتبه شدہ کہ این امر آیا از مجلس و آن ناحیہ مقدس صادر شدہ است یا خبر، چون اعتماد بر تلگراف خاہ نیست و علاوہ در دستخط موقع سطر یککہ کلمات نظامنامه بلدی انجمن بلدی تشکیل دہندی را دارد محکوک است، جای کلمات مذبورہ چیز دیگر نوشته شدہ است کہ بعد تراشیدہ اند و کلمات مذبورہ را نوشته اند و در مرکب ہم تفاوت دارد و موقع استعجاب است، چونکہ ممکن نیست خطوط محکوکہ از مجلس مقدس صادر شود حال در کدام نقطہ و حامیان این حرکت و احتشاک را مصدر شدہ، الیاذ باقی من هذه الحیاتیہ والحیاتیہ - حال استدعا داریم بدایتاً مسئول ما ملت را در وجوب وجود انجمن ولایتی در بندر عباسی قبول فرمایند از اہمیت بولتیبی بندر عباس صرف نظر نمایند، از آسایش ما نگذرند، طارا دچار رقیب ہم سایہ نکند مجدداً، سواد عریضہ سابق خود را تقدیم داشته کہ تذکار اہمیت بندر عباس شود

(میثت اداری انجمن جامد عباسی)

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور کہ نقشہ ایران را ہم داراست بطبع اعلیٰ، کافذ و خط خوب، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود. کریس لین، مازگام، بمبئی. نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی، و در ادارہ جبل المتین

اعلان

بر حسب اطلاع انعقاد مجلس دوم آل انبیا شیعہ کافرانس در لکھنؤ بتاریخ ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ نومبر سنہ ۱۹۰۸ در شہر لکھنؤ منعقد خواهد شد خیر طواہان و دانشمندان قوم راست کہ از حالا در مدد نداشتند امر باشند تا اشاعت کار ہمای مہمہ را انجام توانند داد

(میکادو نامہ)

میکادو نامہ منظومہ است درجہ روس و ژاپون کہ بوضع شاعرانہ نگاشته شدہ، و دارای ۵۸ عکس ہای حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیدہ ہرکس خواستگار باشد بدارہٴ جبل المتین کلکتہ رجوع باید قیمت در ہندوستان سہ روپیہ، ایران یک تومان، احرار بست بہ ذمہ خریدار است

معاونین و مؤیدین ادارہٴ جبل المتین - ملاحظہ نمایند

بومیہٴ جبل المتین کہ در طہران اشاعت می شود عنقریب اوراقش مضاعف خواهد شد، و معاونین ادارہ راست کہ بذل توجہ بدان طرف ہم فرمایند برای اطمینان آنان مرض می نایم کہ این دو ادارہ راجع بہا و سہلک ہر دو یک است، نہایت آنکہ اقتضای وقت برای آن شعبہ بوضعی و برای این شعبہ بوضع دیگر است و متصدی امور آن ادارہ گرامی برادر ما میباشد کہ سالہا اورا متحان و تجربہ نمودہ ایم، لذا ما کمال اطمینان و بدرفتاری دغرفہٴ خواطر معاونین قلمی این ادارہ ملی میتوانند رجوع بشعبہٴ بومیہٴ جبل المتین در سہران نمودہ بخبارہ و مراسلہ نمایند، و بقین بدانند جنابچہ این ادارہ حافظ اسرار است او نیز خواهد بود و در نگارشاتشان ہم بہر قسم دستور العمل بدہند رفتار خواهد شد،

در مقالات و لوحی کہ بدارہٴ بومیہٴ طہران می فرستند دو نکتہ را مراعات نمایند، اول اقتضای وقت و نیز قلم را در طہران ملاحظہ کنند

دیگر اختصار در مقالات کہ در یک شمارہ گنجایش درج آن باشد، و با مقالات را نوعی بنویسند کہ قابل تجزیہ باشد (مؤید الاسلام)

کلکتہ بقیمت دوازده روپیہ بفروش میرسد، اجرت بست بر ذمہٴ خریدار است بہر یک از این دو مرکز میتواند رجوع نمایند، نقشہٴ ایران نیز علیحدہ بقیمت دو روپیہ بفروش میرسد

ایضاً

بومیہٴ جبل المتین با مسلک و مشرب پانزدہ سالہٴ خود در طہران اشاعت می شود، ہرکس در ہندوستان طالب باشد در کلکتہ بدارہٴ جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجہ بہ (طہران، خیابان لالہ زار - ادارہٴ بومیہٴ جبل المتین رجوع نماید - قیمت سالانہ در ایران - سوای طہران چہل و پنج قران و در ممالک خارجہ عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراہیم یک کہ افراد مات را بہترین تازیانہٴ غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی طبعی خوب در سیصد و بست و پنج صفحہ بقطع جلد اول کتاب موصوف برائے فروش در ادارہ موجود است، این کتاب گویا لادم بمعرفی نپسند، ہمین قدر کافی است کہ بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است، ہرکس جلد اول او را ملاحظہ نمودہ از مذاق مؤلف و سیاق کلام و لطایف غالبہٴ آن بخوبی واقف است، کہ در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشتہ شدہ، قیمت چہار روپیہ، اجرت بست بر ذمہٴ خریدار است

مذرت مخصوص

کثرت مشغلہ و وضع گرفتاری اعمسای این ادارہ ملی خصوصاً این خادم اسلامیت بر احدی پوشیدہ نیست، خاطر راجعہٴ بدارہٴ را اعمسای در جواب و تعمال فرمایشات کوتاہی نداشته و ندارد

ولی در مراسلہیکہ راجع بہ شخص بندہ و خودم باید متصدی جواب شوم ہر گاہ اندکی تعویق افتد امید عنو و اشاعتہٴ حمل بر امر دیگر نخواہند نمود (مؤید الاسلام)

حاجی لایحه یکی از ایرانیان غیور

فیدانم که از مدار جرج برقامون چه بنویسم و چه اظهار بنمایم که موجب تسکین تأثر و اضطراب وجدانم باشد که هر هفته آقای حاجی تقی موزع نامه مقدس ارائه نماید با کمال اشتیاق مانند نشنگان از دست آن مرد غیرنمند بر بایم بر روی و چشم بایم اگر بیگانه دقت بر اطوار من نماید حمل بر دیوانگی ناچیز بکند در بادی نظر تا گرفتار روز را راجع بر ایران جستجو و مطالعه نمایم که چه شادی و چه افتخاری خواهم دید از آن بعد ابتدا نموده از اول نامه مقدس تا انتهای آرام بخوام و از مطالعه يك مقاله آثار سندی و از خواندن يك مکتوب متظلمین از دست يك نابکار طم آثار تاز و تلف روی نماید. سرپرده گاه خداوند لم یزل گرفته که خدا یا کی نصب و میسر ما خواهد شد که نامه های مقدس ما محلو از شادی و داور (بر یکدل و یکجبهی ملت و اتحاد و اتفاق مفرضات سنگدل که دست از ظلم و سیدادی خودشان کشیده براه حبت و نصب وطن آمده از کرد های خود ایشان گفته تعدی را درباره ملت خود ترک نموده بدفع دشمن پردازند خواهیم دید) گویا آفتاب بشیری می گوید شاد باش ای مهجور از برادران دینی و عاشق وطن صبح نزدیک است که آفتاب اقبال طلوع نماید که از تاریکی خلاص و مقضی المرام خواهد شد. بعد نامه مقدس را با کمال ادب به محل خود گذاشته با خود قرار بر این نمایم که بعد از این روزنامه بخوام خواند که موجب ازدیاد عم و اندوه میباشد. مهیات مهیات که بعد از لحظه بخود در آیم از وعد خود هزار ایشان میخوم که اجتناب از همدردی هم وطنان همباز (که در راه وطن و حفظ اسلامیت جان فشانی نموده و هر گونه سخن و مشقت سینه يك خودشان را سپر نموده بذل جان و مال نمایند) عن دانات خارج از نصب ملی و وطن خواهی است و ز جان خود بگذرم و از مطالعه نامه مقدس و از همدردی هموطنان درنگذرم. زیرا اوست زبان ملت و حامی اسلامیت و حامی استبداد و اوست بیدار کننده ملت را از خواب گران غفلت و اوست که مدبر محترم او بازده سال زحمت کشیده متحمل انواع ضربه های مذاقین گشت و از ساقه قلم خود ما ایرانیان و برادران

خود را بر این روز مباحث و بیداری رسانید، و اوست که چهار هفته متوالی و هماره از مضار و عاقبت و خیمه تسبیات دولتی در باره ایران بحث نموده و مینماید و همدرد شده. ما حفظه گان غفلت از این تسبیات منحوس را بیدار نموده و چاره درد را بخود و از هر طرف ایران فرد فرد ایرانی صدا بسدا داده که خون ابرایت بجوش آمده که چه خواهیم نمود سزای تسبیات نموده باشیم تا آنکه آن پیشوایان امت و جنابان حجج الاسلام و علما محترم کفر الله انهم که الحق آنی از بذل مال و جان در راه ملت و وطن و حفظ اسلامیت و ازدیاد قوت دولت قدم ثبوت واپس نگذاشته اند که در پیش ملت افتاده که ما درسد این تسبیات و حفظ وطن چه خواهیم کرد شملت هم چنان بکنید. این بگفته جگر گوشه گان خود را میدان آورده تنگ بدست و فشنگ بدوش شان گذاشته هر بر تمام نموده و عموم ملت غیور را ترغیب و تشویق این عمل مشروع مقدس فرمودند. بلی اکنون میتوان گفت اینست دافع دشمن و کننده دندان طمع اجانب از خاک يك ایران و حفظ بیضه حقه اسلامیت و عرض ناموس ملت. امروز باید جنس ایرانی اعلی و ادنی بیرون جنابان بر حبت و کان غیرت کشته جگر گوشه ها و برادران خود را ترغیب و تشویق تمام لشکر ملی نمایند اگر این عمل لشکر ملی داو طلب در این جاری و جاری نشود غیر ممکن است که دفع دشمن و حفظ اسلامیت و وطن فرد آسمانی بول خارج از امکان است. مهیات حرب از خارجه لازم است و ملبوسات و معلم عالم بنفون جدید حرب میخواهد. باید در هر شهر و ولایت و قصبه بکندوق اطافه فقط محض احتیاجات و بول احتیاط لشکر ملی داو طلب مقرر دارند و معین نمایند حکم هر کس سالی بقدر قوه اعانه مستوری بدهند و آدمهای امین را در آن امر مشروع با واجب مستخدم بگذارند که مدبر و امین صندوق و کاتب و غیره لازم است این قدر که ملت را اطمینان کامل بر آن باشد که در حین حاجت اگر در راه وطن شهید شوند بعد از او بر اولاد و اهل عیال او از طرف ملت مهیاتی شده از همان بول احتیاط معیشت اهل و عیال او را خواهند پرداخت اگر این عمل مقدس در جمیع بلاد ایران

جاری و عادت باشد، انشاء الله از لطف خداوندی و از توجه حضرت امام عصر عجل الله فرجه در مدت پنج سال دارای با صد هزار لشکر جرار و کار آزموده آشنا بشنون جدید حرب و صاحب چند مایون نقد اعانه برای احتیاج ملی خواهیم شد

اگر عموم دول خاك مقدس ایران را در میان خودشان تقسیم نموده باشند جز ضرر و زیان و اتلاف نفوس قائده نخواهند بود و آهم یقین است که ملت نجیب ایران هماره از کارهای خیر و جان فشانی از راه وطن دریغ نموده و نخواهند نمود از این قیاس مینمایند که سال ماضی دولت عثمانی بکافتر اعانه برای تعمیر راه جو بیار آب (عین زبده) در مکه معظمه گشوده بود از هر فرد اعلام هر کس بقدر قوه میدادند، جناب ارفع الدوله محض خوش آینده گی خود در نزد سلطان چند هزار بابت از قوم بیسور اعانه اخذ نموده که من هم از ملت و رعایای خود اعانه خواهم گرفت، آن روز که در آن عموم اصناف را نزد خود جلب نموده مام اعانه جمع نموده باشیم، آن بابت ها را دست کتیا داده که هر کس از اصناف خود اعانه جمع نموده به نزد من میآوردند، از اصناف تبا کوچی يك مجیده بیاض و از کتب فروش ها يك مجیده بیاض و از اصناف بقل نیز هاترار و از مراچی ها هاترار و از اهل تجار از يك لیرا الی سه لیره اعانه اخذ نموده در مدت دو هفته بقدر چهار صد لیره اعانه جمع شده بقوم بیسور اعانه دادند و چنانچه دو ماه قبل چند نفر از ریش سفیدان و غیره نمایان اهل وطن به پیش افتاد مشورت نموده قرار گذاشتند که برای بیوه زان و اطفال یتیم ستم بدگان اهالی خلوی و جوار دهات ما و اعانه از افراد ملت جمع نموده بفرستند و چند لیره مصارف نموده بابت اعانه چاپ نمودند، و تیکه ابتدا به جمع نمودن کردند که هر کس با کمال عنونیت میداد، افسوس هزار افسوس که یکی از مخالفین سر بر افراشته نگذاشت این عمل بسر رود، برهم زد کسی را یا رای آن شد که دیگر این اعانه را بحری بدارد، باری اگر چه بکصدوق اعانه در اسلامبول مقرر نموده جاری نمایند امید آن داریم هر کس و هر اصنافی بقدر قوه اعانه مستمری خواهند داد، سال بسال بقدر با صد و شصت لیره اعانه جمع شده

به ایران فرستاده خواهد شد این عمل اعانه لشکر ملی ما از همه چیز مقدم و واجب ذمه هر فرد ایرانی است که محض حفظ وطن و بیضه حقه اسلامیت شان است، حراست هرش و ناموس ملت و استحکام حدود را از تجاوزات اجانب است، هر فرد فرد ایرانی راست که درین امر خیر دریغ نکرده باشد اگر درست تصور و غور نموده باشیم لازم است که از مصارقات متروکه خانه خود و معیشت قدری تخفیف و کسر نموده اعانه داده باشیم ای برادران و ای هموطنان عزیز و ای ایرانیان غیور دلاور و شجیع که حمیره شما و آباء و اجداد شما با حمت و همت و سخاوت و رشادت عجب گردیده این عصر زمان حیت و غیرت و سخاوت است وقت مازک است اگر در این امر تشکیل لشکر ملی و اعانه اش بکروز تعال نموده باشیم یکسال ما را عقب نماندند، اگر بیکاه تعویق نموده باشیم دشمن ما را دلیل کرده میدان فرصت را بر ما تنگ خواهند گرفت مگر ما همت ایرانی بدستیم که یکصد سال پیش ازین اجانب از رعب هجوم ایرانیان شب در خانه خود در توی رختخواب میله زبند پس اکنون چه شد آن رشادت ما و کجا رفت نصب ملی ما و وطن خواهی ما که دولین درین خودشان خاك ياك ما را تقسیم مینمایند و عساکر و اکراد عثمانی خاك مقدس ما را ضبط نموده ماسد خانه خود روز بروز بشرق مینمایند و برادران ما را میکشند و خواهران ما را اسیر میبرند، و اطفال شیر خواره را شکم دریده اند، آیا کسی نیست که برش و مواخذه و جلوگیری کرده بگوید ای طلمان چرا چنین میکنید مگر این ملت صاحب ندارد و این مسلمانان برادران شجیع ندارند در هر حال از خواب غفلت بیدار شده اتحاد و اتفاق نموده انتقام این بیچارگان را ارشاد خواهد گرفت، انشاء الله ای صاحب منصفان مرداران و صریحان، ملت شمارا برای امروز پرورش نموده و ملت جبهه امروز با طال و حان به شما خدمت کرده اند تا حال در بستر استراحت خوابیده اید، ملت بیچاره روز و شب در محن و مشقت، امروز شمار است که کیسه مروت و دست رشادت کشوده در راه وطن و ملت جهد و سی و جان فشانی نموده باید که قدر و منزلت شما در نزد ملت و دولت افزوده گردد و دلاوری و

تازیانه ضربت

- (حکام مرو ز سبل نهاده بند بسایت)
- (که برده دل ز تو ای دایران شهر فدایت)
- (غم که کرده خال در حرام جابکت ای گل)
- (ز رهگذار که در یا خلبده خار جفایت)
- (مناز کم ز نکویان سمند ناز که هسقی)
- (تو از برایی یکی زار و صد هزار برایت)
- (به محشم که سگ تست راز خویش عیان کن)
- (که چون جریده به آند و روی دود ز قفایت)

معاهد انگلیس و روس محضا گردید و منطقه نفوذ این دو مدعی مقتدر بر نقشه پلنیکی ایشان کاشکی تا همیشه در مذلت و استیصال دوران دست از سر شما بر میداشت و به حال خودتان میگذاشت، لیکن هنوز عقبه مخوف تری در جلو دارید، نمیدانم هیچ احساس خطر مینمایند یا نه، هیچ فکر نجات از مضیق مستقبل خویش هستید یا خیر، مشهور است که فرض محال محال است، اما چون در لغت بآلتك لفظ محال وجود ندارد باید این عیسارت را تغییر داد و گفت فرض ممکن ممکن است، خیلی خوب، گرفتیم که دوالتین معاهدتین نظر به بعضی اتفاقات به صرافت مداخله در حدود مبنه خود افتادند، و مقدمه الحیش هر يك در منطقه مخصوصه بیدق خاص را برپا کرد آنوقت شما چه خواهید نمود؟ آیا دست و پای خود را جمع کرده، قناعت به استنلال محدود خویش خواهید فرمود، یا شمیر دو دمه برداشته بمقابله و مقابله همت خواهید گماشت، فی ن، نه آن امر صلاح کار شما است، و نه این حرکت در اقتدار شما، اگر از بنده میبرسید، باید شق نائی را اختیار نمایید، قبل از آنکه میان دو سبیل بنیان کن گرفتار شوید، باید راه چاره پیدا کنید، و راه چاره شما رو به عراق عرب است، غیر از طرف غربی جهات دیگر بر شما بسته خواهد شد، آفتاب علم شیر و خورشید باید از مشرق بغداد طالع گردد، به صاحب رد الشمس قسم است که به حصص طلوع آن نیز ضیغ فرسا در آنجا هلال و ستاره غروب خواهد کرد، جمعیت ولایت بغداد را ۸۵۲۰۰۰ شماره کرده اند از اینها ۴۸۱۰۰۰ شبی اند، ۸۰۰۰ عیسوی و ۵۴۰۰۰ یهودی، (که عدد کل این سه گروه ۵۴۳۰۰۰ میشود)

رشادت و کاردانی خود آنرا به دشمن نه نماید چنانکه اگر روزنامه مقدس بومیه جبل المتین شماره ۱۸۹ مکتوب یکی از خوانین دیرگوند را مطالعه نموده باشید خواهید دید که از لرستان و خوزستان و از حدود عراق عرب سرداران و سروران و سواران عبور آن خاك باك منتظر امر دولت و وكلاء محترم هستند، از دولت هم چیزی برای مصارف نمی خواهند، با مال و جان در راه وطن و ملت و دولت حاضر هستیم که در یکطرفه العین شهر بغداد را و عراق عرب را تسخیر نمایم، چنانچه در فوق عرض شد، اگر زودی تشکیل لشکر ملی در هر بلاد ایران جاری میشود، کسی را یارای آن نتواند شد که قدم برخاك مقدس ما بگذارد، انشاء الله در مدت قابل قدرت و قوت صد سال پیشین را دارا خواهیم شد

مکتوب خیر مقدم از عبثی

مدنی بود چشم معارفخواهان و هواداران معارف بانظار ورود یگانه گوهر دانش جناب حاجی میرزا عبدالمحمد خان مدیر روزنامه چهره نما بطرف دریا دوخته بود، تا عشر آخر صفر (۱۳۲۶) ورود کردند و همه معارف پژوهان ایرانی مسرور شدند افسوس که روز بعد از فراش راحت به بستر کسالت فزاده و تب شدیدش دست داد، این واقعه خیلی مورث بزمردی دوستان معارف شد، معلوم است این همه تا ملایمات رنگا رنگ بین راه سبب تا خوشی می شود، از آن راهیکه همیشه ملت نجیبه زرتشتیه بسایر ایرانیان در مهمان نوازی و هرب دوستی سبقت دارند (اداره جهانیان) که از فرط اشتها مستغنی است کمر خدمتگذاری عیان بسته از هیچ گونه خدمت مضایقه نکرده، تا بحمد الله امروز بید بیهودی شاترا از دوکتور شنبدم بقراین چند روزی بیشتر توقف ندارند و مقصود شان اتباع یکدستگاه (مطبوعه سر) و قطرات دو قر مستخدم زرتشتی از برای اهالی لنگه میباشد، و یکفر هم مهندس زرتشتی از برای راه شوسه اصفهان بشیراز میخواهند قطرات کرده باصفهان فرستند، و بعد بطرف مقصد که مصر است حرکت فرموده مجدداً در انتشار جریده چهره نما قیام نمایند، خداوند همه را توفیق عنایت کند که در راه وطن مقدس همه قسم همکاری بنماید

در هوا خرابی شبعبان که حرفی نیست، عیسویان و یهودیان هم از سلوک مستبدانه سابق آل عثمان باندازه دل برخون دارند که اگر بدولت متبوعه خود برنگردد دفاع از اترک بر نخواهند نمود، لهذا از مخالفت ایشان آسوده باشید، بکنفر عیسوی یا یهودی به معارضه با مهاجمین بر نخواهد خواست، پس معلوم شد که طرفداران شما تقریباً دو مقابل عدد مدافعین خواهند بود (اگر بتوان تمام افراد باقی مانده را مدافع خواند)

از قوای دفاعیه آن سرزمین هم ابداً هراس ننگیند، گر کمتر باشد بیشتر از دوازده هزار عسکر معظم از همه قسم در عراق موجود نیست، و این دوازده هزار را هیچوقت عثمانی نخواهد توانست در یک نقطه جمع آوری نماید، چرا که از طوایف اعرابی که در آن صفحات متفرق اند مطمئن نیست، مدت طولانی نگذشته که قبایله شمر بغداد را میخواستند چپا و کنند، عزیزه هم یکی از قبایل بسیار مقتدر دیگر است، که گاه گاه یک بشلوار رؤسای نظام و عرف میاندازد، بهیکل و حدان شهارا سوگند میدهم که اظهارات مرا قیاسی و بی ملاحظه نگیرید، دیده دانسته ام و سنجیده نوشته ام، یک کلمه باصواب یا یک مغالطه بوج درین مقاله درج نشده، شاید حدس اینکه زده ام پیش بعضیها بعید از عقل نماید ولی والی بغداد میدانند که کنونیات ولایت او را روی دایره ریخته ام، سر عسکر موصل یا بصره میفهمد، که تیغ دم من مثل دم تیغ او بچرخ نیست، شیوخ شمر و عزیزه درک میکنند که سواران ایران را بجایی که ضرب نی میبازد نمیخواهم بفرستم

آخر عقل هم در دنیا خوب چیز است، آقایان و علما و مجتهدین که در قرون سالفه از وطن هجرت فرموده در عراق عرب مجاورت اختیار نموده متصودشان چه بود، یا این حجج اسلامیکه فعلاً در آنجا اقامت دارند غرضشان چیست، شما را بخدا بگذارید چند دقیقه بی پرده حرف بزنم، روحانیان باتیک دان سابق شما که جامع المعقول و المنقول بودند در قلمرو همسایه توطن نگزیدند مگر از برای روز مبادا که امروز باشد، همینطور که دعوات مسیحی در ممالک داخل شده راه ورود معتقدین خود را باز و صاف مینمایند، پیشوایان شما هم از فرط دور اندیشی و عصیت ترک خانه ولایه

گفته، سکونت در خاک اجنبی و طشونت مدعی را بر خود هموار نموند، تا در همچو موقی شما مقلدین آن بزرگواران فداکار از تدبیر ایشان بهره برید، مرحوم میرزا قدس سره چرا فتوای حرمت تنباکو را داد، برای اینکه اترک بدانند که فکر و ذکر آئمه شرع شعبه یهودی و عتلائی جمهور یبروان است و بس، بر ارواح مکرم آن شهدای ایران امروز روز غیرت آزمائی است، زمان زمان درویدن کشته آن وجود های مقدس طاب نوا هم میباشد

کشتی حیات عثمانی در چار موحه اضطراب گرفتار است، بمن و مددونه بکنوع، و مسئله راه آهن جرمنی و آستریا بطور مهربانه پاتبکی اسلامبول را بششدر انداخته، وزیر خارجه انگلیس خطبی سی کرد که در قلمرو مقدونیه ترمیمات مهمه مهیده احرا دارد، لیکن از آنجاییکه سناره اترک در این ایام روبه افول است سایر دول همراهی نمودند، و اعلیحضرت سلطان هم حسب العادت گول حقه مازی امپراطور و بلیم خورده، اصلاحات شایفه عملی لندن را نه پسندید، این نکائی که مینویسم به افکار شاعرانه میباشد، و نه حلات مذهبان، فقط عین واقعوا دارم کشف مینمایم، هر کس سفر عراق کرده است و تلگرافات بومیه حرار را میجو، اند باید، موافقت خواهد نمود که برزه های ماشین سلطه آل عثمان در همسایگی جنوب عربی ایران سائیده شده و شیرازه سطوت دولت ترک دره مدویه از هم پاشیده با این اوضاع و باطدمه و جسارت و عیباتی سرحد داران عثمانی اگر بهادران عجم را به طرفی دعوت کنم بهیچوجه منصرف نیستم

(کلوخ انداز را یاداش سنگ است)

الحوث و احترام خوب است که از دو جانب باشد، تا یک عسکر در حدود ساوجبلاغ تشریف دارد و تا آسایش نام و اقتدار مشروعه تبعه ایرانی در حوالی بغداد تحت بحث و انکار است، نباید از صرافت انتقام بیفتید

(مان منوش و مخواب و مخور مکن آرام)

(برو بگیر و نه بند و بکش به دار بزن)

پروفیسر عبدالصمد شاه مدرسه بهاءالدین جوناگره

(۱۴ اپریل ۱۹۰۸)

سخت وزارت جلیله خارجه ملاحظه فرماید

استدعای جان نثارانه بیچارگان

(ایرانیان ساکنین عماره)

عرض میشود انشاء الله تعالی وجود مبارک در سایه حضرت حجت عجل الله فرجه مصون بوده باشد بحق محمد و آله ، جان نثاران ایرانی ساکنین عماره که از محلات بصره است بقدر دوست خانه و ارباب که تمامی ما را بدون استحقاق ، مأمورین عنای قیدسجل قفس کرده ، به بهانه آنکه دلالی زوجة اش و فلانی مادرش از اصراب بوده و حال اینکه تذاکر متعدده اقامت رسمی در دست هر یک موجود ، و اوراق طاوی املاک حاضر و استشادهای مهوره بمهرالی که همگی ولایت بانبات ایرانیت مافقرای فلک زده است ، و این همه علامات و تذاکر اقامت و مضابط و استشهادهای متعدده و غیره که تقدیم میکنیم بهیچوجه مأمورین عنای قبول نمینمایند و بهانه مذکوره بندگان را از بنه خود می شناسند چنانچه بعضی را گرفته و در سلك عسکری قرار دادند ، و بعضی را محبوس بعضی بخارج ولایت فرر اختیار کرده و بعضی از بیچاری تسلیم نمودیم ، و چند دفعه کتباً و تلگرافاً در اسلامبول بحضور مبارک سفارت کبری طارش شدیم ، آخر بکجواب آمد که مراجعت شما بصره است ، استرقاه حال خود را از مأمور بصره خواستیم ، جان نثارانرا مأمور عماره حواله فرمودند بعد از آن بذار الخلافه طهران یک عریضه توسط حضرت صدارت بنامی بخاکبای مهر اعتلای اعلی حضرت قدر قدرت هاپونی ارواحنا فداء و یک عریضه بحضور حضرت وزارت جلیله امور خارجه عرض نمودیم و استخلاص خود را استدعا نمودیم یک جواب از وزارت جلیله خارجه بجان نثاران وارد که امر استخلاص شما ایرانیان در اسلامبول بسفارت کبری تبلیغ و مقرر شد ، آسوده حواطر باشید ، باز هیچ قایده از سفیر کبیر بحال این فقراء مرحمت نگردید ، مگر اینکه امر این ضعیفان را بمأمور بصره واگذار فرموده و آنهم بمأمور عماره حواله فرمود و مأمور عماره یک نفر پیش نیست و در امر فدویان متعیر است ، هر قدر دست و پامیزیم با مال نایل نمیشویم ، چنانچه دار و ندار

و ثروت خود را تلف کردیم ، که شاید جاره بشود که ازین مهراکه عظمی نجات یابم از بی ساحتی و این ظلم بی بیان کرد باستخوان رسیده فلها متوسل و ملتجی بحضرت ، مؤبدالاسلام و ملاذ الفقراء والامام استدعا آن است که مرحمت فرموده بقصد قربت بتوسط جبل المتین پیش شرح حال ما ضعیفای فلک زده را بشاهنشاه اسلام و اسلامیان پناه و امانایش و مجلسیان مقدس شورای ملی برساند که شاید تفضلی بر حال جان نثاران مرحمت فرماید

جبل المتین

استدعائی که این رعایای فلک زده دارند اینست که مأمور کاردان در ستکار که برای دست عالی قیصریه را بر باد نهد و با مأمورین عنای برای سخت کردن رعایای فلک زده شرکت نماید حال رعایای ایران در عماره خبلی جانگدار است چشم پوشی شایسته نباشد

تلگرافات

(۲۳ صفر - ۲۶ مارچ)

§ تحت رئیس الوزرای انگلستان فرقی نکرده اگر چه شب گذشته خوابید ولی ضعف مستولی است

(۲۴ صفر - ۲۷ مارچ)

§ دولت فرانسه از مجلس شورای ملی اراده دارد خواهش نماید (۱۳۰۰۰۰) فرانک جهت مصارف در جهات غیر معمولی امضا نماید - فعلاً این وجه جهت خرج مسافرت انگلستان (پرسیدنت قاپریس) رئیس جمهوری لازم شده ، مقوله حکومت است ، که این سفر منتج استحکام اتحاد دولتین فرانسه و انگلیس خواهد شد و تجارت دولتین ترقی خواهد نمود ،

§ خبری که از پاریس رسیده ظاهر میدارد که مجلس شورای ملی فرانسه مصارف غیر معمولی (مراکو) را امضا داشت

§ تلگرافی از (صوفیا) ی بلغار رسیده که بابالی نحر یک (بلغاریا) را درباره الحاق راه آهن (صوفیا کوستندیل) با راه آهن (کومارو) را منظور نموده ،

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که مجلس شورای ملی مسوده قانون سکه را امضا نمود

§ شهر (چیلایا) در (مکسیکو) از شدت زلزله بر باد شد ، در مفاک های کوه هلوز آتش مشعل

یک سال که منتهی به ۲۱ مارچ است - (۱۰۶۰۳۷۶۱۰)
 برای بود بر خلاف سال گذشته که (۱۰۰۰۳۶۵۸۶)
 برای بود قاضی جمع سنه ۱۹۰۸ و ۱۹۰۷ بیش
 از اندازه شده کمی وجوه سات گری که متصور بود
 (۲۶۴۰۰۰) برای شود - اکنون (۱۱۱۱۰۰۰)
 برای بحساب آمده است -

§ جنرل (دامید) مجدد بر قبیله (مداکر) حمله
 نموده و سواران فرسه را تابیاً منتشر کرده - از
 سواران فرسه ۸ نفر نجاک هلاک افتاده - ۱۲ نفر
 مجروح شدند -

§ حمایات جنگی امریکا (استرلیا) در سینه
 خواهد رسید - در هر یک از (۰۰۰۰۰۰ و سیدی)
 ده روز قامت خواهند کرد در شهرهای دیگر هم
 دعوت از دستة مذکور خواسته شده -

§ (پریسیدنت فایرس) رئیس جمهوری فرانس در
 اواخر جولائی قصد رفتن روسیه دارد - و بعد در
 (استوکولم - کورین - بیجن - و کرشچانیا) هم
 خواهد رفت -

§ مخبر روتر خبر یافته که دولین روس و انگلیس
 در خصوص انتظام (مقدونیا) بر تحریکات خودشان
 بحث میکنند - از قزو مظلون است که تحریکات دولین
 توام شده بالاخره یکی شود و انتظام (مقدونیا) را
 صورت نیکی دهند -

(۲۹ صفر - ۲ اپریل)

§ دو نفر در وکلاں جماعت منزهه را همراهی شده
 اند که برخلاف یکدیگر در تالیس انتخاب رای بدهند -
 (غره ربیع الاول - ۳ اپریل)

§ تانکری ز (اسلامبول) رسیده که بسبب وقوع
 قتل ارمنه در (وت) در دست طایفه (مانی
 یوزوک) بین اهالی علام پریشای واضطراب جایان است -
 مدد متولین ارمنه به (۶۰) نفر رسیده و شماره مجروحین
 و مقتولین به (۵۰) - بازار هاتام شده است

(اول ربیع الاول - ۳ اپریل)

§ موجب خبری که از (واشنگتن) رسیده ظاهر
 می شود که مجلس وزراء استقرار (مستر هبل) را
 بسفارت (برلن) امضا داشته

(۲ ربیع الاول - ۴ اپریل)

§ در (ولورتن) (مستر هلدین) ضمن تعلق خود
 اظهار داشته که از اطراف اخبار میرسد که افراد اهالی
 با مسرت تمام در قشون ملی داخل میشوند

§ خبری از (واشنگتن) رسیده که در (منچوریا)
 بین (مسترووت) و (برن وروسین) درباره نفوذ و
 اقتدار دولت روس گفتگو شده - چنین ظهرومی شود

است و خیلی خوف اتلاف نفوس می رود - در جزایر
 (وست اندیز) و (سنت نفوس) هم زلزله شدید شده
 § (برنس بولو) ی آلمانی روز یکشنبه عازم (ویانه)
 میباشد - گویا میخواهد در خصوص مسئله (مقدونیا)
 و تحریک دولت روس با (بیرن درت ابرتنهال) بحث
 نماید - تحریک روس اینست که (اسپیکتر جنرل) حالیه
 سیده خود قائم باشد - و بدون رضای دول عزل
 شود و عملاً حقوق دولین روس و آستریا بر کمسیون
 عالیہ جنابچه حاصل است برقرار باشد - و انتظام
 پانس راجع بکمسیون عالیہ باشد و در دهات پانس
 شرکت کند -

§ از ملاحظه نوشته حاتی که در مجلس ملی انگلیس
 من باب (مقدونیا) پیش شده ظهرومی بود که در
 اوائل فروری (سرادورد گری) تحریک کرده بود
 که جهت انتظام (مقدونیا) قشون دول اروپا در
 (مقدونیا) مزید گردد و اختیارات انفران جنگی
 دول افزوده شود - این تحریک را دول اروپا منظور
 نکرده یعنی دولین روس و آستریا این تحریک را غیر
 منتهی پنداشتند (سرادورد گری) در اعلان مرتبه
 ۳ مارچ اشاعت داده که در اشغال رسیدن موقع
 لغتاش (مقدونیا) پیش خواهد شد و خوف بلوا
 در تمام (بلقان) می رود که دول اروپا را تعلق نام با
 آنها است - لهذا فعلاً حاکم خود مختاری مقرر شود و
 قشون عثمانی را تخفیف دهند - خیال (سرادورد گری)
 این بود که اگر دول اروپا الانه قی با عالی زور بیارند
 بدون اتهمال قوه قهریه منظور خواهد نمود این تحریک
 را هم دول اروپا منظور نکردند -

(۲۵ صفر - ۲۹ مارچ)

§ (برنس بولو) ی آلمانی وارد (ویانه) شد و با (بیرن
 دون برتنهال) ملاقات کرد -

(۲۶ صفر - ۳۰ مارچ)

§ جرالد انگلیسی از تحریکات (سرادورد گری)
 در مسئله (مقدونیا) تجدید زیاد می کند -

§ (برنس بولو) نصف ساعت با اعلیحضرت
 (فرانسس جوزف) امپراطور آستریا و (بیرن دون
 برتنهال) گفتگو نمود -

(۲۷ صفر - ۳۱ مارچ)

§ مجلس ملی انگلستان بمناسبت ایام (۴) روز تعطیل
 خواهد نمود -

§ عدده ارتشون فرانسه که گویا (۸۰۰) نفر بوده اند
 از (کاسا بلنکا) سمت (مداکرا) رهسپار گردید
 (۲۸ صفر - ۱ اپریل)

§ بودجه انگلستان در پارلمان پیش شد - عایدات

گفتگو اظهار داشت قبل از روانگی خود انتظام وزارت را نموده است

§ (مستر اسکوت) با (ادورد) پادشاه انگلستان ملاقات کرده از وزارت خزانه استعفا داده و بعد از استقرار به منصب رئیس الوزرائی دست پادشاه را بوسیده (مستر اسکوت) از (سیازند) رجعت و پادشاه تا (۱۵) اپریل رجعت خواهد نمود و شانزدهم اپریل شرکت در مجلس وزراء خواهند نمود

§ روزنامه (دیلی کرائیکل) را خیال این است که احزاه و اراکین وزارتخانه جدید مشتمل از (مستر لوئید جارچ - وزیر خزانه) (مستر نوپید مونه - رئیس شوری) و (لارڈ کروی وزیر مستعمرات) (مستر ککینیا - امیر البحر) (مستر ولسن جرجیل) رئیس اداره تجارت (مستر والتر رنسیمن - وزیر علوم) خواهد بود

§ (دیلی نیوز) عقیده ش اینست (سرهنری فولر) را لقب لارڈی داده خواهد شد

§ مخبر (روتر) از (بیکن) خبر میدهد که از امپراطور فرطی صادر شده متضمن بر اینکه کبسونی خاص مقرر می شود. مشتمل از (برنس کینگ) و چهار افسر دیگر که تدارک استعمال ترک تریک بین اهالی و افسران را نماید و نیز بموجب همین فرمان دارالشفا هم مخصوص معالجه ترک تریک افتتاح خواهد شد

§ خبری از (واشنگتن) رسیده که وزارت جنگ مسوده قانون مصارف جنگی را امضا داشته که بموجب این قانون (۹۸) میلیون ایرا تخمینه مخرج شده. و حال آنکه قبل از این (۲۰) میلیون ایرا بوده است (۶ ربيع الاول - ۸ اپریل)

§ ممکن نیست اعلان وزارت جدید قبل از (۱۰) یا (۱۲) شهر حال داده شود (۷ ربيع الاول - ۹ اپریل)

§ (مستر اسکوت) امروز صبح بار دوم با اعلیحضرت پادشاه ملاقات کرده روانه بجانب لندن شد § (مستر روزبولت) رئیس جمهور امریکا اطلاع به مجلس ملی نموده که باید قانون مخصوص جهة رفع اغتشاشات وضع شود (۸ ربيع الاول - ۱۰ اپریل)

§ روزنامه (دیلی نیوز) می نویسد که (مستر مارلی) وزیر هند را لقب لارڈی اعطا خواهد شد و بسنده وزارت هند برقرار خواهد ماند § بابائی وعده نموده که جهة تنبیه اصراب اضلاع (عماره) قشون روانه خواهد نمود و آنها را بر

جهاز (بلوسی لی لیج) شلیک کرده سزا خواهد داد

که دولت متحده امریکا را در حفظ اختیارات خود اشکالات زیاد واقع نشود دولت چین را مکنون خاطر اینست که منتظم کل شرقی ره آهن بسواهدید دولت چین مقرر شود و محل اقامت وی در (بیکن) باشد ولی سوقت دارای این منصب یکی از روسیان است که در (هارین) مقیم است. از اداره دوائی اعلان شده که بموجب عهدنامه (پورتسموت) لازم است دولتین روس و ژپون توم (مانچوریا) را خالی کنند

§ خبری که از (مراکو) رسیده ظاهر مبدارده که قشون سلطان عبدالعزیز سده (۵۰۰۰) و (۲۰) توب تحت الحاکم (مدادی) و برادر دیگر سلطان (مولی رؤف) جهة مستعکم داشتن اختیارات سلطان از (واط) بسمت (فیاض) رهسبار شدند

(۳ ربيع الاول - ۵ اپریل)

§ خبری از (بیارتد) رسیده که قاصدی استغفانامه (سرهنری کبل نرمن) رئیس الوزرائی انگلستان را گرفته وارد شد (کینگ ادورد) استعفا نامه را منظور کرده و اظهار تأسف از یاری و دطای سلامتی وی را نمودند § (کینگ ادورد) (مستر اسکوت) را در (بیارتد) طلب نموده است

§ مشهر است که (مستر اسکوت) فوری روانه (بیارتد) خواهد شد

(۴ ربيع الاول - ۶ اپریل)

§ (۵۵۸) سرباز از (الجیریا) در (کابلانکا) رهسبار شد

§ حسب اخبار حاکم (نراد) مجلس ملی اهالی (فینلند) بند شد چه این مجلس بر امور راجعه به امپراطور روس ایراد گرفته و وزارت را مقصر دانسته بود

§ مخبر (روتر) از بوشهر خبر میدهد که از ساحل (عماره) عرهبها بر جهاز انگلیسی (بلوسی لی لیج) تا سه ساعت کامل شلیک می نمودند ۲ نفر از مسافرین هلاک و بسیاری زخمی شده جهاز قراول ترکی که همراه بود بر اصراب شلیک نمود

§ مجلس (دوما) درباره تعمیر راه آهن اضلاع آمور مباحثه نموده اعضای حریت خواه تعمیر این راه را لازم میدانند

(۵ ربيع الاول - ۷ اپریل)

§ مسافرین جهاز انگلیسی (بلوسی لی لیج) همه تجاره هندی بودند دولت انگلیس فوراً مخبره با سفیر خود متمم اسلامبول نموده حکم داده که از بابائی سزای مرتکبین را فوری خواست نماید ابغالی وعده داده که بحرین را سزا دهد و راه دجله را مأمون سازد § (مستر اسکوت) وارد (بیارتد) شد در ضمن

تلکرافات راجع بایران

احتشام السلطنه رئیس پارلمنت ایران استعفاء از ریاست شورایی ملی داد، سبب استعفا این بوده که بعضی در حق ایشان کمان نمودند که باطناً طرف داری از دولت دارند، برادر وزیر مالیه (گویا مقصود از محبر الملك باشد) ریاست مجلس انتخاب گردید

حبل المتین

این واقعات دال است بر اینکه هنوز ملت را اعتماد به مرامی دولتیان نیست ورنه چنین تصورات پیش نمی آمد.

درباره جناب احتشام السلطنه عقیده ما برخلاف این افواهاست است، چه در زمان استبداد بعد از مرحوم امین الدوله جز احتشام السلطنه مشروطه خواهی انگشت نما نبود، انجمن معارف نتیجه زحمات و افتتاح مدارس زیاده از اقدامات ایشان بود، سه سال قبل وقتی عین الدوله مجلس انعقاد نمود و جمیع اعیان و حکام و سفراء خارجی خود ما را برای راه نمایی در اصلاحات طلبید اول کسی که راه اصلاح را در قبول مشروطیت اظهار داشت این مرد بود، و مخبرات شان که با امیر بهادر بمشاجره کشیده در عالم شهرتی بسزا یافت، گذشت بر این پیشرفت امر مجلس در ایام ریاست ایشان جای انکار نیست، بلکه واقعاتیکه در ایام ریاست ایشان پیش رفت کرد از قبیل امضای شاه قانون اساسی را و آمدن اعلیحضرت بمجلس، و رفع غائله آخری توبخانه و نیز صلح آخری همه دال بر حسن نیت ایشان است، نگارنده پانزده سال است این مرد را بدرستی و مشروطه خواهی شناخته، لذا در حق ایشان تصویری جز خیر نمی نمایم توقع مقلب الملون از کسی نمیتوان داشت یعنی قادر بر قاپ قلوب درباریان نبود درین صورت اگر روجه مطلوب دو تنیان همراه بمجلس نشدند ایرادی برایشان وارد نیست، سهوی که واقع شده همام مناقشه غیر مرضیه است که بین ایشان و حضرت آیه الله آقای آقا سید عبدالله مجتهد واقع گردید، و مجلسیان دو یارنی شدند، همان وقت ما را یقین حاصل گردید که ازین بعد ریاست ایشان بر مجلس قوام و بقائی حاصل نخواهد کرد، بمفاد (بری الحاضر حالبری الغایب) ما نمیتوانیم رأی بدهیم بر اینکه قبول استعفا ایشان مناسب بوده است؟ یا نه، ولی همین قدر میگویم که ملت نجیب ایران ازین بعد باید بقدردانی جاب قلوب نماید و چشم نباید از خدشات ایام ریاست جناب احتشام السلطنه

به بوشند، و این قدر درنی لازم و ملزوم ریاست ایشان نیست (ایضاً)

حیات وزرای ایران از عهده خود استعفا دادند

حبل المتین

درین دوره وزرای ایران بین المحذورین واقع شده اگر بوظائف مسئولیت خود عمل نمایند منافی یا مایل درباریان است، و میترسند مثل ناصر الملك شوند، و هرگاه بحبل درباریان حرکت نمایند اعتماد بحاسیان از آنها شرفع میگردد، ظاهر است تا وقتی که اتحاد حقیقی بین ملت و دولت واقع نشود همین بساط در پیش خواهد بود، لذا بر وکلای محترم است که در دو امر کمال دقت را نمایند، اول تشکیل وزارتخانه صحیح با استخدام مستشار خارجی برای گرداندن اداره تا در تغییر وزرا وزارت خانه ها از کار نیوفتند من با آن مخالفتی که باختیار اجانب در ماده وطن عزیز خود دارم، نظر به تجربیات دیرینه از اهل وطن خویش با واز بلند میگویم در اداره کردنی يك وزارتخانه ولو وزرای ما عالم هم باشند تجربه ندارند، در ایرانیان عالم میتوان پیدا کرد ولی صاحب تجربه پیدا نتواند شد پس وکلا راست که قبل از هر امر اقدام در جلب مستشار حسای خارجی برای وزارت خانه ها نمایند، ورنه راه يك روزه را بعد از آنکه بجاه مرتبه بجاه بیوقفیم یکسال هم طی نخواهیم نمود

دوم سعی نمایند که وزارت در طبقه متنازه دور نزند، چه تا وقتی که وزارت درین طبقه جرخ زند جز این نقش در قالی نخواهند دید، در طبقات متوسطه کسانی که از عهده وزارت برآیند بسیار داریم درین صورت دائره کسانی که برای وزارت انتخاب می شود وسعت حاصل خواهد نمود و از دور و ناسل بلکه عمر و خرج يك جماعت انگشت شمار نجات خواهیم یافت، و بلاشبه متوسطین برای حفظ مقام منبع خویش هم کار خواهند نمود

(ایضاً)

مرحب تلگرافی که از اسلامبول رسیده سفرای روس و انگلیس با منتهای شدت و سختی بابعالی را از اجحاف بسرحدات ایران مانعت نموده، و ازدولت ایران هم خواهش کرده اند که چشم از حرکات غیر مشروع عثمانی پوشیده از قصد قصص و تلافی بازآید و مناقشات سرحدی را دوستانه رفع نماید

بموجب خبریکه از اسلامبول رسیده بابعالی

حکومت صادر نموده که ظاهراً ریدر کبیر، عمانی در سرحد متنازع فیہ شروع بکار نمود. امدادات و سزاه با ایران کند

حبل المتین

برایها نباید باین مواعید تاگرافی تسکین حاصل نموده آرام گیرند، مسائل بنگی حبل غامض است خصوصاً عمانی که بیچ صراطی مستقیم نیست، جز اینکه پاداشت کاوخ ادا از خود را سنگ بند، ایرانیها بدون قصد مجوز کاملاً باید در مقابل عمانی تدركات لارمه را ببندند، تا اگر فیصله امر بطریق دوسقی نشود خالی بر استقلال آنها وارد نباید عمانی فعلاً از یکطرف گرفتاریهای داخله خود را میبندد از طرفی دیگر - حقوق روس و انگلیس را در فیصله سرحد مشاهده میکند، و نیز تدركات ارباب او را بوحشت انداخته، ناچار امروزه سپر انداخته ولی سعی خود نمود که استخوان لای زخم نگذارد تا وقتی که بتواند بیشتر گرمی مرشد اعظم خود امپراطور و پادشاه گریه از نو برای ایران بفرستد در هر صورت باید مسئله سرحدی را بشرف و استقلال کامل امروز فیصله نمود یا آنچه شد نیست حالا بشود، چرا که میتوان اطمینان کرد که معاملات پانگی فردا چه رنگ پیش آرد امروز هر قدری بشود منتضیات بلتیک نصرت را نصیب ایران نموده است

(ایضاً)

§ (مستتر اینچ) که يك ز اعضای دارالشورای ملی انگلستان است در (سانترل ایتین سوسانی) انجمن وسط آسیای لندن که از انجمنهای معروف انگلستان است در ماده ایران عاقلی داده ضمناً اظهار داشته که دولت انگلیس حداً سالی است که آزادی ایران از روی صحت و موضع حدیقت برقرار ماند چنانچه از برکت عهده داران انگلیس (سیام) ترقیات عجیب و ضرب نمود دولت انگلیس را لارم است که نفوذ خود را در ایران با منهای دوسقی و خیرخواهی زیاد نماید

§ (مرهتری مارنیر دیوریتند) که سمت ریاست انجمن را دارا بود در جواب اعضای دیگر انگلیس نمود از بسکه نشه نفوذ روس و انگلیس را در ایران وی کشیده، چه او همیشه پیرو این حیل بوده است که در شاهی ایران باید اختیارات انگلیس پیش باشد

§ (مستتر دیجورد) در دارالشورای انگلستان اظهار داشته که از قرار مسود دولت ایران اراده دارد در عرض افسران بلژیکی در گمرک افسران آلمانی مقرر دارد، لذا خوب است دولت انگلیس اقدام نماید در مبادی که تجارت او زیاد است افسران لارک از ملت انگلیس مقرر شود

§ (مستتر دس من) در جواب این سوال اظهار داشته که دولت انگلیس درین گونه موادیران میتواند هیچگونه تصرف نماید، علاوه بر این وزارت خارجه انگلستان خبرریده که دولت آلمانی طاب بست که در عوض باژیکبان افسران آلمانی مقرر شود

حبل المتین

شک و شبهه نیست که حیات باژیکبان ایرانیانرا از آنها متفر ساخته، و عما قریب عدد آنها را ایران خود عدد خواست در صورتی که ایرانیان لایق این خدمات یافت نشوند و یا شرایط پیشوئه استقرار ما را مجبور باستخدام خارجه نموده باشد، اردوات بی طرف مانند (سود)، (امریکا) استخدام خواهد شد نه از همسایگان سرتا یا غرض، ایرانیان آلمانی هم بواسطه نفوذ و قناریکه در مالک عمانی حاصل کرده همسایه ایران میباشد، و هرگز صلاح خود را نخواهند دست نه این همسایه بر مرض افسر برای گمرکات استخدام نمایند، و ما امیدواریم که ازین و مدتی بپایان لایق را در گمرکات خدمت گذاریم

§ ششصد نفر از فوج (برسس آف ولز) که شامل در تالین (بلوچ لایت) میباشد با ده قطار جنگی راه آهن مساج و مکمل صبح هفتم ربیع الاول از طریق (رباط) که معروف بکوه ملک سیاه است بجانب (نوشکی) بکمک قشون بلوچستان در سرحد سیستان روانه گردیدند شش صد الی هفتصد شتر برای حمل لوازم این اردو گرایه شده چهار صد میل فاصله بین رباط و نوشکی است که دو فوج از همین تالین در آنجا موجود میباشد بین راه غالب آب نیست باید آهم حمل شتر شود

رسانا از علت حرکت این قشون خبری معلوم نشده فقط شهرت دارد که هیئتی از کبیرین بیابان را که مشغول خدمت بوده در سرحد سیستان بقبل رسانیده اند، و چنان معلوم می شود که در حدود امروزی انگلیس در سیستان اهالی به تله و مقابله اقدام نمایند، همین دسته قشون است که مأمور بمر کوبی فرقه زکاخیل شده بوده این دسته از هرجه مستعد و آماده جنگند چون روزها گرم است شبانه در کمال سرعت طی مسافت خواهند نمود

(حبل المتین)

بنابظاهر این حرکت قشون رطبی با بران ندارد و در سرحدی است که انگلیس فعلاً در سیستان برای خود بین ایران و افغانستان معین کرده ولی در هر صورت وزارت خارجه و داخل راست که بتوسط سرحدداران امین از جگونگی امر واقف شده توضیحات لازمه را مجلس مقدس بدهند

چهل و هفتین کلکته

وکلا ذمه دار ابویجات مشترکین اند

قیمت اشتراک

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

(بدل ابوتہ اخبار پزشکی گرفته میشود)

سالانه - - شش ماهه

Habliu Matiu Office
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

نامه مقدسه

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

هر دو شنبه

۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۲۰ اپریل ۱۹۰۸ میلادی

الملتیک

سنه ۱۳۲۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

۱۲ روپه - ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

استقراض و ایران

عطف باسابق

بر فرض هم که وکلای محترم با این تذبذب درباریان و خرابی دربار معصم شوند که بر حسب فرموده و زرا استقراضی به نمایند، بدوا لازم بود قبل از آنیکه این مسئله بسیار اهم در مجلس عالی موضوع بحث آید از کابینه و زرا صورت ضروریات و مقدار ضرورت وجه با راه استقراض را دریاخته در هر بهلوی آن مذاقه نموده، لازمه تمذیل را بعمل آورده، هم خود اطمینان نمایند و هم از روی صحت بتوانند بموکلین خود اطمینان دهند، و زرا هم برای مزید توضیحات حین تقدیم این مسئله در مجلس حاضر باشند، تا کور کورانه درین موضوع صحبت نشده، هم مجلسیان اطمینان نمایند، و هم ملت قناعت کند، و هم مضمون بدست جرائد خارجه نیوفند، که بگویند (در پارلمان ایران يك مسئله از روی صحت باصول پارلمنتری صحبت نشده است)

فعلا بطوری که در مجلس این مسئله موضوع بحث شده ظاهر است که هیچ سر و بی ندارد، و هیچوقت هم از روی این گونه مباحثات بی اصول نتیجه حاصل نخواهد گردید، نتیجه این صحبتها همان اقتادف بسر زبانهای خارجه و داخله است، و بدنامی ملت و دوات بلکه

وکلاي مجلس مقدس ملی،

وزرا و درباریان خود نیکو میدانند که این وضع مباحثات مجلسیان پول نخواهد شد، ولی دو غرض عمده در این تخریبات دارند، اول رفع همگونه الزام از خود و کند نمودن زبان ملت بلکه وکلا را نسبت بخوبی، و این امر طبیعی است بدین معنی ~~که~~ وکلا از وزرا خواهان اصلاح اند، و وزرا از وکلا خواستگار بوله نه آنها پول میدهند، و نه اینها اصلاح می نمایند، لابد کارها بهار وضع شرب اليهود بدل درباریان باقی می ماند، و خود سرانه در ~~حاکمیت~~ هر گونه تصرفی که میخواهند می نمایند، و غرض اصلی بستوه آوردن ملت بلکه مجلسیان است تا کلابه اختیارات چون اول دست يك جماعت انگشت شمار سپرده آید.

غرض دیگر که بر حسب اشارات معلمین خارجهی درین افواضات دارند همان است که گوش مجلسیان و ملت را باستقراض بر کنند، و همین که مدتی بدون پایه و مابه این مسئله موضوع بحث آمد و گوشها پر شد و ملت و وکلا دنده بقضا داده رضا باستقراض گردیدند بدوا سرمه ری در داخله اقدامی کرده یأس خود را ظاهر دارند، و سپس ناچار ملت و وکلا را طایل باستقراض از خارجه نمایند، در استقراض خارجه هم

اول خواهندگفت از روس و انگلیس که دو همسایه قوی ما هستند قرض نخواهد شد، همین که مات و مجلس باین نکته نیز نین درداد بطریق بالا بالاتر در استقراض از غیر روس و انگلیس می و اقدام خواهند نمود، پس از چندی خود را ماوس حلوه داده یکی دو دولت کوچک بی طورهام که رضایت دن وجهه نمایند شرایطی اسم آنها پیش خواهند نمود که خیلی از شرایط روس و انگلیس سخت تر باشد، چنانچه که باین راهها وقت را بخراب گذرانیدد و شدت از هم استقراض را در عدم امنیت ماکن مدلل داشتند، آفتش فتنه را از هر طرف دامن زدند، راه جاریه را بر مات و مجلس مسدود نمودند، ما را از هر دو بر گت بر سر ناکند ولی که ملت غائی و مدتها سالی این همه مساهوست، یعنی استقراض از روس و انگلیس

بلی ارباب سیاست و باینک در میدان مساهبت بکار وادارون میزند، سیاست این است که ما مات بمان جاهل بدبخت از علوم بلیک بی خبر این شکات و ملتفت نمی شویم، مسی است که استقراض ما از روس و انگلیس همان و اجرای مواد معاهده دولین همان.

ما از قبل مشروطیت ایران علانیه بدهد و می بینیم که ارباب سیاست خارجه با دستهای داخلی خودمان که سالهاست حامی آنها میباشند با کمال عجله و شتاب درین کارگاه بوقلمونی مشغول بکارگری اند، برای پیشرفت این مقصود بک مرتبه امین السطان بایران می آید، یکدفعه نامرالک بآف ایسات مبتلا می شود که تشریح هر بک بطول می انجامد، بن هم رنگی تازه است که پیش آمده، دیده شود چه نتیجه بخشد

ازین ها صرف نظر کرده، همه را ظلمات اخبار بگاری پنداشته، بر فرض مصمم باستقراض هم گردیدیم ظاهر است که این استقراض دو صورت پیش ندارد اول داخلی - دوم خارجی

بدواً باید کلاه خود را قاضی نموده به بینیم استقرض داخلی برای ما ممکن است یا نه؟ آیا تمول مملکت ما حوازمین خواهش میدهد یا خیر؟ عقیده ما درین موضوع محقق است با بسیاری از دانشمندانیکه میگویند ثروت ایران کافی از برای ضروریات تمدنی خود نیست یعنی ثروت ایرانیا زرا برای دویمت ملیون رفع احتیاجات

دولت با کمال سهوات می بنداریم، ولی چه توان کرد که این مات بدبخت از دویمت سال باین طرف با بک هیئت صادق تصادف نموده تا قدر و قیمت و مقدار ثروت خود را ظاهر دارد، صدها ادله محسوسه برای این نکته داریم که شرح هر یک از آنها ما را از موضوع خود خارج خواهد نمود، و ما در آتیه بشرط توفیق درین موضوع بالأصله بحث خواهیم نمود، فقط درین جا بیان بک نکته را بطریق اشاره ما گفته نمیگذاریم و وکلا و ودرای ما از جناب قلوب مات و کسب استقراض داخلی بی بهره اند، و این مسئله یکی از شعب عمده اقتصاد است که تشریحش را من بعد خواهیم نمود. قبل از آنیکه ما اقدام در استقراض داخلی بنام باید از روی غرر و تأمل تفکر کنیم که آیا ملت فقط بقول درباریان و وزرا یا وکلا در رفع احتیاجات دولت و ترقیات ملکی به بذل مال و مثال همراهی خواهد نمود؟ یا نه، اما قول درباریان که بیک فاس، اما وزرا شخصاً بانداره تمول خود اعتبار دارند، اما باعتبار وزارت دیناری نزد مات محل اعتبار نیستند، چه وزارت شاه نداریم، ازین دو وزرای ما هیچ شرف امضا و صحت بجهت وزارت برای خود حاکم نکرده اند، این است که امضای وزرای ما را در خارج و داخل نجشاهی کسی قبول ندارد، شرف امضای بک وایس قوسل امتحاری دولت بسیار کوچکی پیش از وزیر طایفه ما مقبول عام و خاص است، هرکس از شرف امضا و اعتبار صحت وزارت خواههای خارجه واقف است میداند ما چه عرض می نمایم، پس باعتبار واعتماد وزرا هم مات مستعد رفع احتیاجات ضروریه نتواند گردید اما وکلا اگر چه اعتبار تمولی شخصی قالب ندارند، ولی بسمت وکالت فرد فرد ملت کمال اعتماد و اعتبار را باقوال ایشان بدواً خیلی داشتند، حالا هم اندکی دارند ولی حرف درین است که وکلا باعتبارکی مات را مستعد بذل سرمایه هسقی نمایند، بسیار خوب حالا ملت هم مستعد همراهی مالی بدوات شد، بجز اصول وجهه بدهد؟ و پس از ادای وجهه که را باید بشناسند؟ چه طور اعتماد نمایند که در وجوهیک آنها میدهند حیث و مبل نخواهد شد، صحت هیجوره نفر تجار اول نموده ایران که بعضی از آنها اینک سمت وکالت هم دارند دو سندات

شرکت عمومی وضایات آمان بکجا منتهی شد؟ قرب
 يك كروار اشرفی كه ناصرالملك در قابل زمان جمع نمود
 آنهم در آن موقع ناك بکجا صرف شد؟ آیا وکلای محترم
 میتوانند بمات بگویند ما اجازه بصرف اشرفها داده
 بودیم؟ در صورتیکه دست یکصد و شصت نفر وکلا
 روی آن وجوه بود و باین قسم حیف و میل شد دیگر
 چه اعتمادی برایشه ملت می ماند که وجه بدوات
 بدهند؟ مسلم بود که این اشرفها بدون اجازه مجلس
 نباید صرف شود، چنانچه ناصرالملک چند هزار اشرفی
 را که خواست برای عمل لازمی صرف نماید اجازه
 از مجلس حاصل نمود، بچاره ناصرالملک که نزدیک بود
 شهید همین اشرفها بشود

بلی اگر این قسمها نه نمایند چگونه دولت را محتاج
 باستقراض ظاهر کنند؟ بطور بگویند برای فرستادن
 صد نفر سرباز به یزد پول نداریم؟ گیرم بعد از حیف
 و میل يك حساب انگشت شمار هم بمجلس بدهند، این
 حساب پول می شود، وزرا را لازم است که قبل از
 هر طرح لزوم آن را بمجلس بیایند، نه بعد از خرج
 حساب انگشت شمار تقدیم کنند

عجب تر آنکه مبنای با-م نك و اعانه از مردم
 گرفته شد هیچ يك از صاحبان وجه اهم از کم بایش
 نمیدانند و چه بیکه داده اند کجا رفت؟ و خرج چه شد؟
 باقی است یا از میان رفته؟ حق فهرست آن در هیچ
 اخباری بطریق غیر رسمی هم دیده نشده بر فرص که
 برای اینم حالا يك حساب انگشت شمار بمجلس پیش
 شود آیا این حساب سرمایه بنگ می شود؟ یا برای
 سربرهنه کسانی که وجه داده اند کلاه خواهد شد؟ بر حسب
 فرموده آقای امام جمعه خلوی اگر همان اشرفی ها و
 وجوه بیکه مردم برای بنگ داده که قرب دو کروار
 می شد سرمایه ابتدائی بنگ قرار داده و وجوه مالیاتهم
 بر حسب قانون در نك خارج و داخل میگردد
 امروز سرمایه بنگ خیلی زیاد شده بود، بلکه بسیاری
 از احتیاجات دولت را دفع می نمود و در آن گراما
 گرمی مردم هم تا کمال اطمینان طرف معامله با بنگ
 می شدند، و سهام بنگ را می خریدند

وکلای محترم از روی قطع و یقین باید بدانند که
 حیف و میل از دستگاه دولت مرفوع نخواهد گردید،
 و بدون حال بودجه مملکت معتدل نخواهد ماند، مگر
 در سایه بنگ ملی، و بنگ ملی نیز شلوده صحیح نخواهد
 گرفت جز در سایه ریاست، یکی از دامایان بانجره این من
 که از امریکا یا فرانسه جلب نمایند، چه توان کرد که
 مردم ایران از بس خیانت و بددیاری از هم خاکن
 خود دیده فعلا بمجلس ایران اعتماد نمی نمایند،

عقیده ما این است که گر باجری سرمایه ریاست
 يك نفر ارباب فن امر کانی ننگ، ملی اقتضای بود، و
 ایرانیها اطمینان نمایند که وجودشان از حیف و میل
 مصون و محفوظ است در قابل زمار باید بر آنچه خواسته
 اند سرمایه برای بنگ جمع خواهد شد، اینکه در اول
 هبا هوی ننگ ملی مردم میگفتند که اطمینان نداریم و
 بعضی از وکلا ازین سخن برآشفته می شدند از چنین
 روزی می ترسیدند که ندانند سرشان بکدام بالین است،
 کسایکه از روی حب وطن ده تومان یا صد تومان
 با-م نك داده و سند موتی گرفته میدانند از آن وجه
 خود را مطالبه نمایند.

من نمیکویم وجوه بیک مردم با-م نك داده بید
 از میان رفته است، ولی میگویم اینگونه سهل انگاری
 و بی انتظامی و بی سامی اعتماد مردم را مرفوع نموده است
 خلاصه قرض داخلی بدون تشکیل بنگ ملی دشوار
 بلکه محال است، و تشکیل بنگ هم مخصوص بعد از
 سکنه که باین ام وارد آمده باین زودی دشوار نماید
 نتیجه این عنوان آن شد که با این وضع حالیه
 استقراض داخله عاجلا ممکن نیست، و برای تدار
 درباریان نخواهد رسید

آمدیم باستقراض خارجه که منشأ اصلی درباریان و
 برخی از وزرای مذنب است، و هزار گره برایشه
 پیش رفت این منصود رقصاده و این و بعد نیز
 خواهند رقصاند تا مات و مجلس را مجبور نموده برای
 استقراض از خارجه اجازه حاصل نمایند، خای هیچ
 شبه نیست که درباریان خن که تا ایشان دست پرورده
 اجانب اند دانسته که ازین و بعد جلو تفل آنها گرفته
 خواهد شد، همین يك موقع را دارند که کاری بکام
 خود نمایند و مانند این الساطان و ارفع لدوله آب
 خنکی بدل طمیدند خود زده بایونها برای انجام امر
 رشوت حاصل نمایند و وجوه استقراضی را نیز حیف و
 میل کنند، هر بدوز مد هنه عقیده خود را بیان
 میکنم و باواز ناند میگویم در نك استقراض ایران
 دست خارجه در کار است، بنگ ملی و قرضه داخلی
 و حجاب اعانه از ملت و استقراض از دول بی طرف
 را هم که سم می آورند عرض بی کم کردن بمات میباشد،
 غرض اصلی استقراض از روس و انگلیس است، و
 باین سبب وکلای محترم ما را گول میزند، درست
 باید غور نمود که در این دو ساله که بجاه کروار منجاوز
 از مات مطالبات گرفته شده بکجا رفته؟ آیا بشون
 چیزی داده شد؟ اگر داده شده چرا جلو گیری
 ازین تقاب نمی نمایند؟ اگر داده شده بشون بحال سلاح
 مان ~~مکو~~؟ که صد نفر نمیتوانند بهیچ نقطه بفرستند

ذات قول و ذرا چهار پنج کرور طالبات زمین مانده
سه مقابل آن قبوضات دولتی دست ارباب حقوق است
تا کی ما خودمان را بازی خواهیم داد ؟
وکلائی محترم و فرد فرد ملت باید بدانند که
هیئت درباریان امروزه که رئیسشان امیرمادر جنگ
است قبضه خارجه را بر ارباب راضی تراند نسبت
باجرای قوانین مشروطیت ، و این آخرین تیربست
که در ترکش دارند (یعنی هنوز بی بولی و
استقراض) و برای اینکه این تیرشان به هدف اصابت
ناید صد گونه اغتشاشات در مملکت اداخته و خواهند
ادخلت ، و هر قسم بشوند خارجه را هم مبعیج آمده
و خواهند آمد ، ازین بیانات چنان مستفاد نشود که ما
ملک لزم پول و وجوب استقراضیم ، ما در اصل
موضوع متفقیم ، نهایت در طریق حصول و شرایط
صرف آن حرف داریم

بالجمله موضوع ما استقراض از خارجه است ، اولاً باید
دانست که با این انقلابات سرحدی و اغتشاشات داخلی
مملکت و عدم اطمینان مالی و جانی ملت و ندانستن
اعتبار صحیح دولت و عدم موجودگی وزارت خاه و
نیروست اتحاد حقیقی بین ملت و دولت فقط اسم
مشروطیت هیچ بر اعتبار ما نیفزوده ، ازین رو قرصه
تجارتی بمانخواهند داد ، و در صورتی که بدهند شرایط
سختتر از استقراضات اولیه را با پیش خواهند نمود
علاوه استقراض از خارجه محل معتبر یا اداره
صحیح میخواهد ، و ما امروز در ایران سوای گمرک
اداره نداریم و او هم که در ضمانت قروض اولیه است ،
با اینکه قرصه را که روس بایران داد قرصه پلتیکی بود
نه تجارتی ، مع ذلک شرط باده شدن گمرک نمود و سپس
وجه داد ، و تا محل معتبر با اطمینان و امنیت کامل
بصراقان فرنگ نمانیم قرصه تجارتی حاصل نتوانیم نمود ،
و آن هم در صورتی است که ما وزارتخانه های
صحیح و ادارات دولتی بوسع ادارات دول متمده
داشته باشیم ، مسلم بدانند که با این وضع شرب اليهود
هیچ دولتی صد هزار لیرا قرض تجارتی با بدهد ،
ولی روس و انگلیس حاضرند که با آنکه اندازه قرض
پلتیکی بدهند ، البته نتیجه چنین استقراض ما هم لازم
به تشریح ندارد

گذشته بر این قبل از آنیکه وکلا محنت در استقراض
خارجه نمایند خوب است در شروط منحوسه استقراضات
اولیه غور نمایند که آیا با آن شروط میتوانند استقراض

از غیر روس نمایند و با وزیرانیکه محرك این استراحتند
وساها دفع این سد سدید را سکرده اند و یا فقط
فرضشان بی گم کردن بهات و بر کردن گوش و کلاست
که کور کورانه راضی ما استقراض از خارجه شوند ،
باید دانست تا وقتی که ما موفق بانظامات داخله خود
و دار نمودن ادارات صحیحه نشویم با شرف نمی توانیم
از خارجه قرض تجارتی نمانیم ، و احیاناً هم اگر قرضی
حاصل نمودیم با شرایط بسیار سخت و زشت خواهد
بود ، اینکه بعضی تصور می نمایند که دولت فرانسه مثل
اینکه بروس قرض داد با هم خواهد داد تصور باطل
است ، اولاً روس دارای ادارات صحیحه و دخل زیاد
و اعتبار کلی بود ، علاوه فرانس قروضیکه بروس
داده تمام تجارتی نیست این مسئله را ارباب پلتیک
میدانند که اگر فرانسه اتحاد با روس نه نموده بود با
دشمنانی مانند آلمان و انگلیس یقیناً از با هراوقساد
بود ، یعنی دچار مشکلات بسیار عظیم میگردد ، و تا بک
اندازه ابواب ترقی روی وی بسته می آمد ، چون روس
اورا معرض بخود یافت مانند گاوشیر ده تا توانست اورا
دوشید ، همین که رفع احتیاج پلتیکی خود را فرانس
از روس نمود ، و عقد اتحاد با انگلیس بست از ادای
قرصه تازه بروس سر باز زد ، مقصود این است که
استقراض از خارجه کفیل بدار معتبر می خواهد ، و تا
وقتی که فکری کفیل نه نموده ایم باید لب از استقراض
خارجه بر بندیم

این نکته نیز پوشیده نماند که ایران قبل از آنیکه
از روی صحت انتظام داخلی خود را نه نماید و وزارت
خانه های صحیح قائم نکند ، و امور دولتی و مملکتی خود
را از روی اصول اداره اداره نه نماید ، در هر جا برای
استقراض دست دراز کند دست روس و انگلیس در
آن خواهد بود ، تشریح این مقال را نیز بوقت دیگر
حوالت میدهم ، همینقدر درین جا یاد آوری می نمانیم که
ایرانیها نباید فراموش نمایند که بجهت وسع راه آهن حضرت
عبدالمظلم از بلژیکها انتقال بروسها شد ، ازین بیانات
ظاهر گردید که فعلاً استقراض ما از خارجه هم دشوار
و هم صلاح نیست ،

پس درین صورت که مملکت ملتها درجه احتیاج
را به پول دارد ، و از بی بولی نزدیک است شیرازه
امور از هم بگسلد چه باید کرد ؟ آنچه برای ناقص
ما آید اهم از اینکه مقبول شود یا نشود در آیه
خواهیم نگاشت

استفسار

بمضور مبارك عالمی اعلام دامت برکاتہم استفسار مینماید

مدت دو سال است مردم ایران بحکم خدا باب مشورت گنوده اند و هنوز کاری از پیش نبرده اند و مانع معلوم نیست که بکند آیا جنابان عالی راسخی نیستید که مثلاً اگر حداییه نخواستند استگان شما چشم بکنفر حمالیراکور نیاید هر دو در دیوانخانه عدالت اسلامیه جلو یجره آهنی استاده دعاری پیش نمایند و بعد از ثبوت چشم مقصر را بیوش چشم حمل کور نمایند ، بدیهی است جنابان عالی مؤید سن بالن سنستند لهذا امید است جوایز بروز نامه های طهرانی مرحمت نمایند تا اینکه مستبدین نتوانند حجج اسلامرا مانع قلم بدهند و ملت هم تکلیف خودشانرا بدانند (صحیفاتی مهاجر طهرانی مقیم حیدرآباد دکن) غره ربیع الاول ۱۳۲۶

نگارش يك از ارباب غیرت

جواب نمره (۳۴) روز نامه

(شریفه تازه حیات)

{ منطیبه بادکوبه }

پوشیده نیست که جریده (جبل الملتین) از بدو انتشار تاکنون قدم اعظم مندرجاتش بحث از اتحاد مسلمانان و مفاد او بوده. چون پانزده سال تمام مدیرش در بنوع موضوع مرغوب سخن رانده عموماً او را علمدار اتحاد اسلامش مینامند، چنانکه لقب مؤید الاسلامی به این شخص لایق و بجا است همچنین علم دار اتحاد گفتن مراورا منراست ، عجب دارم از مدیر محترم تازه حیات که چشم از مراتب و مقامات مؤید الاسلام پوشیده نسبت مفیدی و مفقی به آن وجود محترم داده است ! بل جبل الملتین درین چند نسخه اخیر اشاره از تجاوزات غیر مشروعه عثمانی بمطاک ایران نموده و بر حسب وظیفه خود ملت خویش را از پیش آمد کار آگاه کرده است

گاهی بطور تحویف ضعف ایران را مینویسد که قابل مدافعه نیست و ملت را متنبه میکند که برامی دفاع خصم ترتیب لشکر ملی لازم است ، گاهی محض تشجیع ملت از عدم استعداد عثمانی بحث نموده میگویید ، مقابل حملات نا مشروع او مدافعه مشروع باید کرد .

از شخص شما سؤال کرده و جواز صحیح خودتان را حکم قرار میدهم . در چنین وقتی که ملت ایران به انواع اغتشاشات داخله مشغول است و ورود عساکر عثمانی مانوب و تفتک و تصرف ساوجبلاق و بواح ارومیه و سایر نقاط و قتل و غارت و ربایای بی گناه ، و دست درازی به برده گیان ، و هزار جور افعال وحشیانه دیگر با عالم مسلمان موفقی و با اتحاد اسلام مطابقت است ؟ ولی نخریص و یانرغیب جبل الملتین به تکثیر قوه مدافعه مضار اتحاد اسلام است ، با انصاف و مروت غور فرمائید ، ورود عثمانی بمطاک ما و تصرف چند شهر و قصبه محل اعتنا نیست و اهمیتی ندارد و باید موافق با اتحادش شمرده ، ولی نوشته جبل الملتین را که مشعر بوجوب مدافعه و لزوم از جلو گیری است از جمله ، و هو مائش باید گفت ؟ مسلم است وظیفه روز نامه نگار آن است که همیشه پیش بینی و حدسیات خود را بنویسد و ملت را بیدار کند . اگر اقتضای تکلیف هرگز نمیکویم حرکات عثمانی در حدود ایران با قواعد مسلمانان درست و باعث اتفاق است ، ولی نوشته جبل الملتین مایه تفرقه بین مسلمانان است . و اینکه جبل الملتین نوشته ابرار با همسایگان خویش صلاح نیست جدال کند و بخاره نماید خصوصاً با عثمانی که ادعای مسلمانان مینماید این مطلب نیز واضح است ، که مقصود ازین کلام شخص سلطان که طرز هزاران بیگناه ریخته و دشمن اعظم عدالت است ، میباشد نه ملت عثمانی چرا که بر هر فردی افراد واضح است که از ابتدای جلوس این سلطان کلیه افعال او بر ضد اسلام و اسلامیت است

ملت نجیب عثمانی که برادران ایمانی ما میباشد محدی از سوء اداره او متفرند که جوی ترک دار و دیار خود گفته در نقاط مختلفه اروپا متفرند . و آنای که در وطنند از تسلط قوه استبداد در تحت فشارند ، و از سوزش دل زبانشان خشکیده پس بخوبی معلوم شد سلطان حالیه از مسلمانان فقط حاضر يك دعوی میباشد و بس : و اینکه نوشته اید از دشمنان و جلادان اصلی ایران صرف نظر کردن و از تجاوزات عثمانی بحث نمودن باعث نافع است

هیچاً گویا مدیر محترم تازه حیات ، نامه مقدسه ملی ما را نینخواند و با الفات نمیفرماید که این امالی اسلامی

پانزده سال است در بیداری مات اسلام فریاد میزند و در جلوگیری از اثرات نفوذ روس و انگلیس خود داری را جائز نمی شمارد خوب است صدها مقالات چند ساله جیل المین راجع باقتصاد روس و انگلیس را ملاحظه نماید و ازین اشتباه بیرون آید اگر جیل المین را اجاب منافی با منافع خود نمیدیدند روسها در خاک خود چهار سال جیل المین را توقیف نمی نمودند ، و در خاک انگلیس بدان صدمات عظیمه که کوها را از هم می باغیند دچار نمی شد ،

گویا مدیر روزنامه نازه حیات چنین متوقع است که در يك اخبار بلکه در يك مقاله تمام این نکات درج شود اول این امری است دشوار ثانیاً مقتضی تشریح يك مسئله است ، هرگاه کسی بخواهد مسلك يك نویسنده بزرگی را مانند مدیر جیل المین که امروزه مرجع توجه سی صد مایون نفوس است بدست آورده بر او اعتراض نماید مدتی لازم است که نگارشات شخص آن را ملاحظه کند تا اعتراضاتش اسباب مضحکه ارباب خرد و اطلاع وافع نگردد و آنچه در اخبار دید خاصه مدیر نداده چه با مقالات که منافی با عقیده مدیر هم هست در اخبار اشاعت می یابد و این نکته منافی با اخبار نگاری نیست

علاوه بر این عرض میکنیم در اینکه روس و انگلیس اقوا همسایه ما هستند حرفی نیست ، ولی خوب بود این همسایه اسلامی که برادر دینی ما میباشد در این گرفتاری اقتدا به همسایگان کافر ما میکرد ، همان جوریکه آنها با ما معامله کرده و میکنند آهم می نمود . یعنی روس و انگلیس هر کدام سی نفر قزاق وارد کردند بعنوان محافظه قونسولهای خود . او هم همین عنوان را میکرد . دیگر بدون اعلان جنگ اقدام بمحاصره بچه گانه یا زنانه جیرا و آنکمی در امور سیاسی ملاحظه مذهبی هیچ مدخلی ندارد ، بین دو برادر صابی اگر تجاوز بحدوق يك دگر واقع شود هر دو شرطا و عقلا بایستی مقام مدافعه بر آید . گویا عقیده شما این است اگر دو طایفه اسلام بر حقوق يك دگر تاحققت همیشه باید یکی از آن طایفه توسری خورده و متحمل اجحافات طرف مقابل به شود که رشته اتحاد اسلام پاره نه شود ، پس به این حساب در ایران این همه جا

هو تمام غلط است ، چرا که متجاوز بر ملت (شاه) و اطرافیهای او و حکام ولایات میباشد ، همه مسلمان و اغلب زیارت عاشورا شانم ترك نمی شود . پس گردن کشی ملت از زیر بار ظلم و جور و مخالفت با آنان بکلی مغایر با اتحاد اسلام است ، اگر طالب اتحاد باشند باید دم فرو بسته سر تسلیم پیش نهند .

خلاصه ما ایرانیان با کافه مسلمانان متحد و برادریم خصوصاً با ملت عثمانی که هیچ مغایرتی ندویم آنان را در نفع با خود سهیم و خودشان را در ضرر به آنها شریک میدانیم ، و تمام این اتفاقات غیر مرضیه را از وجود این سلطان و اعضای قصر بگذرید بدانیم که شجره منفوره استبدادند ، امیدواریم که بیک جلسی غیورانه برادران عثمانی از با درافتند ، و بجای آنها درخت عدل و داد به نشیند و نمره حریت و مساوات را بدهد و از نتیجه این نعمت عظمی دو ملت و دولت اسلامی با هم پیوند شده پشت به پشت یکدیگر بدهند ، و در سابه اتفاق و اتحاد سایر مسلمانان را که در تحت رقبت دیگرانند نجات دهند ، و نیز همیشه مساعی جبهه ارباب حرابد و سران معارف اسلامی عموماً و اقدامات غیرتمندانه مدیر جیل المین خصوصاً مطمح نظر مسلمانان میباشد و هیچ وقت رضایت نمیدهند که سبب مفسدی و منافی به آت شخص غیور که فدائی بزرگ اسلام است داده شود والسلام علی من التبع الهدی

(م - عبدالحسین اسفهمانی)

(خره شهر صفر ۱۳۲۶)

اخبارات خارجه

§ در (نیویارک) امریکا (۱۰۰۰۰۰) بیکاران جمعیت کرده شورش میکردند - پلیس آنها را منتشر نموده يك نارنجك برپلیس افکنده اتفاقاً بر نهائشایان خورده يك نفر را هلاک و بسیاری را مجروح نموده است

§ قطار اول کالسکه راه آهن (شنگهای - سنکنگ) وارد سنکنگ گردید -

§ ولایهت انگلستان بصبت زوجة محترمه شان ۴۰ تاج وارد پاریس شده ، و ده روز در آنجا اقامت خواهند نمود -

§ (۳۰۰) چینیان که در (وانگوار) وارد شده